



مدیریت سود واقعی، مدیریت سود واقعی تهاجمی و کیفیت حسابداری

سیدحمید جلالی*، حسن همتی**، امید فرجی***، حسین جباری****

چکیده

هدف از مقاله حاضر بررسی رابطه میان مدیریت سود واقعی، مدیریت سود واقعی تهاجمی و کیفیت حسابداری است. این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر روش از نوع همبستگی است. بدین منظور تعداد ۷۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق و بهادار تهران (تعداد ۸۶۴ مشاهده شرکت - سال) در دوره زمانی ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۹ مورد بررسی قرار گرفت و جهت آزمون فرضیه‌ها از الگوی رگرسیون به روش داده‌های تابلویی استفاده شد. یافته‌های تحقیق، نشان می‌دهد که مدیریت سود واقعی حسابداری رابطه مثبت و معنی‌داری با خطای نوع دوم دارد؛ ولی در بررسی مدیریت سود واقعی تهاجمی با خطای نوع دوم حسابداری رابطه معناداری مشاهده نگردید. همچنین بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود واقعی تهاجمی با تعداد بندهای گزارش حسابرس و اظهار نظر غیرمقبول حسابداری رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. بر اساس نتایج به دست آمده می‌توان نتیجه‌گیری نمود که مدیریت سود واقعی منجر به کاهش کیفیت حسابداری می‌شود و مدیران به منظور نیل به اهداف خود، روش‌هایی را بکار می‌برند که کشف آن برای حسابرسان دشوار باشد و حسابرسان در برابر ریسک‌هایی که نتوانند با افزایش رسیدگی‌ها به آن پاسخ دهند، حق الزحمه بالاتری تقاضا می‌کنند. نتایج پژوهش منجر به گسترش ادبیات تحقیق در زمینه مدیریت سود واقعی و کیفیت حسابداری خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: مدیریت سود واقعی، مدیریت سود واقعی تهاجمی، کیفیت

حسابداری، خطای نوع دوم حسابداری، اظهار نظر حسابداری

* دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

** استادیار، گروه حسابداری، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

*** دانشیار، گروه مدیریت مالی و حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران. نویسنده مسئول: امید فرجی

**** استادیار گروه حسابداری، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران

omid_faraji@ut.ac.ir

مقدمه

سود حسابداری به‌عنوان معیاری برای ارزیابی عملکرد شرکت‌ها بکار می‌رود. در این میان مدیریت سود یکی از ابعاد کیفیت گزارشگری مالی است؛ بنابراین، هرگونه دست‌کاری سود در گزارشگری مالی می‌تواند بر تصمیمات استفاده‌کنندگان اثرگذار باشد. (زنکین و اوزکان^۱، ۲۰۱۰). از این رو، ابعاد کمی و کیفی سود برای سرمایه‌گذاران دارای اهمیت است. از طرفی وظیفه مدیر برآورده کردن منافع ذی‌نفعان و سایر گروه‌های طرف قرارداد است. در این میان مدیر نیز به دنبال حداکثر کردن منافع خود است، لذا او تمام تلاش خود را بکار می‌گیرد تا سود را از طرق مختلف مدیریت نماید. در همین راستا، مدیریت سودبخش مهمی از پژوهش‌های حسابداری را به خود اختصاص داده است. مفهوم مدیریت سود را شپیر^۲ (۱۹۸۹)، به این صورت تعریف می‌کند: مداخله عمدی در فرآیند گزارشگری مالی برای به دست آوردن سطح سود مورد انتظار؛ یعنی با توجه به مقاصد و اهداف مختلف مدیریت، ممکن است سود افزایش یا کاهش یابد و یا هموار شود. به‌طور کلی مدیریت سود از دو طریق دستکاری در اقلام تعهدی اختیاری و دستکاری در فعالیت‌های واقعی انجام می‌شود. شپیر (۱۹۸۹) در تحقیق خود عنوان می‌کند که مدیریت سود واقعی از طریق تغییر در فعالیت‌های عملیاتی باهدف گمراه ساختن ذی‌نفعان انجام می‌شود. از آنجا که اختیار در اقلام تعهدی توسط استانداردهای حسابداری تا حدودی محدود شده است، لذا ممکن است مدیر نتواند آن را با استفاده از اقلام تعهدی مدیریت نماید، از این رو، دست به مدیریت سود از طریق فعالیت‌های واقعی می‌زند. مدیریت سود از طریق فعالیت‌های واقعی، جایگزینی برای مدیریت سود اقلام تعهدی است. چرا که حساب‌رسان و مقررات‌گذاران به چنین رفتارهایی کمتر توجه می‌کنند و همچنین دست‌کاری فعالیت‌های واقعی به آسانی قابل تشخیص نیست.

حسابرسی، ابزاری است که انگیزه‌های مدیریت سود را محدود می‌کند؛ بنابراین، هنگام اعمال مدیریت سود توسط مدیران، کیفیت بالای حسابرسی از حساب‌رسان انتظار می‌رود. حساب‌رسان با بالا بردن کیفیت حسابرسی، تعریف‌های بااهمیت را کشف کرده و مدیران را در به‌کارگیری مدیریت سود در محدودیت قرار می‌دهند؛ اما موضوعی که مطرح می‌شود این است که چرا هنگام اعمال مدیریت سود واقعی توسط مدیران، کیفیت بالای حسابرسی از حساب‌رسان مشاهده نمی‌شود؟ چه عاملی باعث کاهش کیفیت حسابرسی می‌شود؟ حساب‌رسان چگونه خود را در برابر

ریسک عدم کشف مدیریت سود واقعی پوشش می دهند؟ این موضوعات و همچنین فقدان پژوهش های کافی در خصوص ابعاد مختلف مدیریت سود واقعی، مدیریت سود واقعی تهاجمی^۳ و کیفیت حسابرسی، این انگیزه را در محققان این پژوهش ایجاد نمود که موضوع مدیریت سود واقعی، مدیریت سود واقعی تهاجمی و کیفیت حسابرسی را مورد مطالعه قرار دهند. نوآوری پژوهش حاضر در مقایسه با تحقیقات قبلی، نخست، بررسی مدیریت سود واقعی، کیفیت حسابرسی و بسط و گسترده گی آنها است. دوم، بررسی رابطه میان مدیریت سود واقعی تهاجمی و کیفیت حسابرسی است تا واکنش حسابرسان در برابر ریسک های بالاتر را مورد مطالعه قرار دهد. توجه به این موضوع موجب بازنگری در نتایج مطالعات گذشته در زمینه کیفیت حسابرسی می شود و همچنین ایده های جدیدی برای انتخاب متغیرهای مربوط به کیفیت حسابرسی و تفسیر نتایج در پژوهش های آتی را فراهم می آورد. اهمیت پژوهش حاضر در این است که به صاحب نظران، جامعه حسابداران رسمی، سازمان بورس اوراق بهادار و سایر استفاده کنندگان نشان دهد که چگونه مدیریت سود واقعی و مدیریت سود واقعی تهاجمی بر کیفیت حسابرسی تأثیر می گذارد؛ بنابراین، سؤال اصلی تحقیق این است که چه رابطه ای میان مدیریت سود واقعی، مدیریت سود واقعی تهاجمی و کیفیت حسابرسی وجود دارد. هدف این مقاله، بررسی رابطه میان مدیریت سود واقعی، مدیریت سود واقعی تهاجمی و کیفیت حسابرسی است.

انتظار بر آن است تا مطالعه ما بر روی ابعاد مدیریت سود واقعی، مدیریت سود واقعی تهاجمی و کیفیت حسابرسی، دستاوردهایی را به چندین طریق مهم ایجاد نماید. اول، ما نشان خواهیم داد که آیا مدیریت سود واقعی عامل مؤثری بر کیفیت حسابرسی خواهد بود یا خیر. دوم، ما با بررسی جنبه های مدیریت سود، مدیریت سود واقعی تهاجمی و کیفیت حسابرسی به ادبیات ریسک کسب و کار و گسترش مبانی نظری و مطالعات انجام شده در این زمینه کمک خواهیم کرد. سوم، این موضوع می تواند اطلاعات سودمندی در اختیار صاحب نظران، جامعه حسابداران رسمی، سازمان بورس اوراق بهادار و سایر استفاده کنندگان قرار دهد. چهارم، مطالعه ما یک شکاف مهم در ادبیات تحقیق را در مورد واکنش حسابرسان به مدیریت سود واقعی و مدیریت سود واقعی تهاجمی را پر می کند. در نهایت، نتایج این تحقیق، می تواند ایده های جدیدی برای انجام پژوهش های جدید در حوزه مدیریت سود واقعی، مدیریت سود واقعی تهاجمی و کیفیت حسابرسی ارائه نماید.

مبانی نظری و تدوین فرضیه‌ها

مدیریت سود واقعی و کیفیت حسابرسی

رونن و یاری^۴ (۲۰۰۸) مدیریت سود را مجموعه‌ای از تصمیمات مدیریتی که باعث عدم گزارش واقعی‌ترین سودها در کوتاه‌مدت و حداکثر سود می‌شود، تعریف می‌کنند. مدیریت سود مبتنی بر فعالیت‌های واقعی، دربرگیرنده تلاش مدیریت جهت تغییر سود گزارش شده از طریق زمان‌بندی و میزان فعالیت‌های تجاری واقعی است. برخلاف مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی که شامل تغییر در سطح ارقام تعهدی برای به دست آوردن سود گزارش شده مورد نظر است، مدیریت سود واقعی به‌عنوان انحراف از رویه‌های عادی تجاری برای دست کاری سود گزارش شده تعریف می‌شود (روی چودهری^۵، ۲۰۰۶). چندین روش برای مدیریت سود از طریق انحراف از رویه‌های عادی تجاری شناسایی شده‌اند. این روش‌ها را می‌توان به انحراف از فعالیت‌های عملیاتی، سرمایه‌گذاری و تأمین مالی تقسیم کرد (زو و همکاران^۶، ۲۰۰۷). مدیریت سود از طریق فعالیت‌های واقعی هنگامی رخ می‌دهد که مدیریت برای دست کاری سود اقداماتی را انجام می‌دهد که فراتر از رویه‌های معمول تجاری است. در مقایسه با مدیریت سود ارقام تعهدی، مدیریت سود از طریق فعالیت‌های واقعی با ابهام بیشتری همراه بوده و کشف آن برای سهامداران، حساب‌رسان و مقامات قانونی دشوارتر است، بنابراین، تبعات قانونی بعدی آن احتمالاً کمتر خواهد بود (جی و کیم^۷، ۲۰۱۰).

تاکنون تعاریف متعددی از کیفیت حسابرسی بیان شده است. اگرچه، این تعاریف تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند، اما ساختار آن‌ها مشابه است. برای مثال، والاس^۸ (۱۹۸۰) کیفیت حسابرسی را کاهش ناخالصی‌ها و بهبود درجه خلوص داده‌های حسابداری می‌داند. برخی دیگر، کیفیت حسابرسی را صدور گزارش غیرمقبول تعریف کردند. بیانیه مفاهیم اساسی حسابرسی که توسط انجمن حسابداری آمریکا در سال ۱۹۷۳ منتشر شد، کیفیت حسابرسی را توانایی حسابرس در اجرای کنترل کیفیت اطلاعات تهیه شده به‌وسیله اطمینان از رعایت اصول پذیرفته‌شده حسابداری تعریف کرده است. یکی از تعاریفی که عموماً از کیفیت حسابرسی بیان می‌شود، تعریفی است که توسط دی آنجلو^۹ (۱۹۸۱) ارائه گردیده است. او کشف تحریف‌های بااهمیت و گزارش آن‌ها را به‌عنوان کیفیت حسابرسی تعبیر می‌کند. اینکه حسابرس، تحریف‌های بااهمیت را کشف نماید به صلاحیت و شایستگی

حرفه‌ای او و این که تا چه اندازه آن‌ها را گزارش نماید به استقلال حسابرس بستگی دارد. با وجود این که تعریف دی آنجلو برای حسابرسی صورت‌های مالی مناسب است، اما می‌تواند سایر انواع حسابرسی‌ها را نیز در برگیرد (یگانه و آذین فر، ۱۳۸۹).

شیوه‌های مدیریت سود واقعی می‌تواند بر عملکرد آتی اقتصادی شرکت تأثیر منفی بگذارد. با این حال، کیفیت حسابرسی اعتبار بیشتری را ارائه می‌دهد، زیرا اثرات نامطلوب شیوه‌های مدیریت سود واقعی را کاهش می‌دهد. وجود کیفیت حسابرسی باعث می‌شود که بازار سهام نسبت به زمانی که کیفیت حسابرسی وجود ندارد واکنش مطلوب‌تری نشان دهد (نیکولز و اسمیت^{۱۱}، ۱۹۸۳). کیفیت حسابرسی در شرکت‌هایی که تفکیک مدیریت از مالکیت وجود دارد، ضروری است. جدایی مدیریت از مالکیت باعث ایجاد مشکل نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی بین سهامداران و مدیران می‌شود (جنسن و مک‌لینگ^{۱۲}، ۱۹۷۶). در این مورد، نقش حسابرسان مستقل تأیید این است که آیا صورت‌های مالی شرکت با استانداردهای پذیرفته‌شده حسابداری مطابقت دارد و این که واقعاً رویدادهای اقتصادی را منعکس می‌کند یا خیر (چی و همکاران^{۱۳}، ۲۰۱۱). کیفیت حسابرسی نقش مهمی در کاهش مدیریت سود دارد؛ زیرا حسابرسان، وظیفه صدور گواهی‌نامه در مورد اعتبار بیانیه‌های مالی را انجام می‌دهند. انتظار می‌رود حسابرسی با کیفیت بالا از دست‌کاری سود جلوگیری کند و هرگونه تحریف بااهمیت دیگری را که ممکن است سهامداران را گمراه کند کاهش دهد؛ بنابراین، می‌توان پیشنهاد کرد که سطوح مدیریت سود می‌تواند بر سطوح کیفیت حسابرسی تأثیر بگذارد. مطالعات متعددی وجود دارد که از معیار کیفیت حسابرسی برای اندازه‌گیری سطح کیفی سود استفاده می‌کنند، زیرا حسابرسی با کیفیت بالا ممکن است منجر به سود با کیفیت بالا شود (هوکیو و همکاران^{۱۴}، ۲۰۱۷؛ چی و همکاران، ۲۰۱۱؛ چوی و همکاران^{۱۵}، ۲۰۱۰؛ چن و همکاران^{۱۶}، ۲۰۰۵).

خطای حسابرسی، مدیریت سود واقعی و مدیریت سود واقعی تهاجمی

دی فاند و ژانگ^{۱۶} (۲۰۱۴) در تحقیق خود نشان دادند که ارائه مجدد صورت‌های مالی، نشان‌دهنده کیفیت پایین حسابرسی در سنوات قبل است. به عبارت بهتر، ارائه مجدد صورت‌های مالی نشان از عدم کشف تحریف‌های بااهمیت در صورت‌های مالی است که این مورد توسط حسابرس در سنوات قبل کشف نشده است و در سال مالی بعد کشف شده است که به دلیل بااهمیت بودن موضوع، منجر به ارائه مجدد صورت‌های مالی گردیده است؛

بنابراین، ارائه مجدد صورت‌های مالی در سال بعد، نشان‌دهنده کیفیت پایین حسابرسی در سال قبل است. یارنز و رنارت^{۱۷} (۲۰۱۳) خطای حسابرسی نوع اول (آلفا) و نوع دوم (بتا) را مطرح کردند. آن‌ها خطای حسابرسی نوع اول (رد نادرست) را "صدور گزارش غیرمقبول ناشی از مشکل عدم تداوم فعالیت ولی ورشکسته نشدن صاحب کار در سال مالی بعد" و خطای حسابرسی نوع دوم (پذیرش نادرست) را "صدور گزارش مقبول در سال مالی جاری و ورشکسته شدن صاحب کار در سال مالی بعد" تعریف کرده‌اند. محمدرضایی و همکارانش (۲۰۱۸) این معیار را با توجه به فضای پژوهشی ایران تعدیل کرده و آن را معیاری معرفی کردند که نسبت به معیار تجدید ارائه صورت‌های مالی، خطای اندازه‌گیری کمتری در سنجش کیفیت حسابرسی دارد. آن‌ها خطای حسابرسی نوع اول را "صدور گزارش حسابرسی غیر مقبول در سال مالی جاری توسط حسابرسان و عدم تجدید ارائه صورت‌های مالی در سال مالی آتی" و خطای حسابرسی نوع دوم را "صدور گزارش حسابرسی مقبول در سال مالی قبل و تجدید ارائه صورت‌های مالی در سال جاری" تعریف کردند. آن‌ها بیان کردند که با این تعریف، ایراد احتمالی فعالان حرفه حسابرسی به این معیار تا حد زیادی مرتفع می‌شود (محمدرضایی و فرجی، ۱۳۹۸). کامرورد و همکاران^{۱۸} (۲۰۱۶) دریافتند که حسابرسان از استفاده عمده مدیران از فعالیت‌های واقعی برای دستیابی به درآمدهایی با هدف کوتاه‌مدت آگاه هستند. از آنجا که استانداردهای حسابرسی بیشتر بر جلوگیری از دست‌کاری اقلام تعهدی متمرکز است، وجود مدیریت سود واقعی آسایش آن‌ها را تهدید می‌کند. نتایج پژوهش گراهام و همکاران^{۱۹} (۲۰۰۵)، نشان می‌دهد که مدیران فعالیت‌های مدیریت سود واقعی را در مقایسه با مدیریت سود اقلام تعهدی ترجیح می‌دهند. مطالعات گذشته نشان می‌دهد که افزایش کیفیت حسابرسی، مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی را کاهش می‌دهد (بکر و همکاران^{۲۰}، ۱۹۸۴؛ جانسون و همکاران^{۲۱}، ۲۰۰۲، کریشنان^{۲۲}، ۲۰۰۳؛ بالسام و همکاران^{۲۳}، ۲۰۰۳؛ میرز و همکاران^{۲۴}، ۲۰۰۳). تحقیقات صورت گرفته در زمینه کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی نشان می‌دهد که کیفیت بالای حسابرسی منجر به تشدید مدیریت سود واقعی می‌شود (بادآورنهدی و تقی زاده خانقاه، ۱۳۹۲). با این حال، کشف مدیریت سود واقعی برای حسابرسان دشوار است و حسابرس در صورت ارزیابی موقعیت‌های مشکوک به مدیریت سود واقعی، نیازمند رسیدگی‌های بیشتر است. از آنجا که رسیدگی بیشتر بر حق‌الزحمه حسابرسی تأثیر گذار است، لذا پس از این که قرارداد حسابرسی امضا شود،

احتمال اینکه صاحب کاران با افزایش حق الزحمه در دوره جاری مقاومت کنند، زیاد است؛ بنابراین، حسابسان برای رسیدگی های اضافی و دریافت حق الزحمه بیشتر پس از این که مدیریت سود واقعی را کشف کنند، محدود است. همچنین، مدیریت سود واقعی در تناقض با اصول پذیرفته شده حسابداری نمی باشد. از این رو، انتظار می رود که مدیریت سود واقعی با خطای نوع دوم حسابرسی رابطه مثبت داشته باشد. بدین صورت که با افزایش مدیریت سود واقعی، کیفیت حسابرسی کاهش می یابد. در این میان مدیریت سود واقعی تهاجمی حالتی از مدیریت سود واقعی است که در سطوح بالای مدیریت سود قرار دارد. چی و همکاران (۲۰۱۱)، در بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی بیان می کنند که کیفیت بالای حسابرسی با سطوح بالای مدیریت سود واقعی مرتبط است؛ بنابراین مدیریت سود واقعی تهاجمی منجر می شود که ریسک بیشتری را بر حسابرس وارد نماید و کیفیت حسابرسی را تحت تأثیر قرار دهد. کریشنان و همکاران (۲۰۱۳)، نشان می دهند که حسابسان به دنبال یک پاسخ به ریسک حسابرسی در مدیریت سود هستند. چارچوب آن ها نشان می دهد که حسابسان به منظور پوشش ریسک ها، ابتدا با افزایش رسیدگی ها به ریسک ها پاسخ می دهند و ریسک هایی را که نتوانند با افزایش رسیدگی ها پاسخ دهند، با افزایش حق الزحمه حسابرسی، جبران می کنند و در نهایت، وقتی که افزایش حق الزحمه ناکافی می شود یا ریسک ها به یک حد بالاتر از سطح ریسک قابل قبول برسد، از کار کناره گیری می کنند. بر این اساس انتظار می رود که حسابسان در موقعیت های مدیریت سود واقعی تهاجمی به دلیل افزایش ریسک حسابرسی و دشواری در کشف مدیریت سود واقعی تهاجمی، حق الزحمه بیشتری دریافت کنند و مدیریت سود واقعی تهاجمی با خطای نوع دوم حسابرسی رابطه مثبت داشته باشد. به عبارت دیگر با افزایش مدیریت سود واقعی تهاجمی، کیفیت حسابرسی کاهش می یابد. با توجه به مبانی نظری فوق، فرضیه های اول و دوم پژوهش به شرح زیر بیان می شود.

فرضیه اول: مدیریت سود واقعی با خطای نوع دوم حسابرسی ارتباط مثبت دارد.

فرضیه دوم: مدیریت سود واقعی تهاجمی با خطای نوع دوم حسابرسی ارتباط مثبت دارد.

تعداد بندهای گزارش حسابرسان، مدیریت سود واقعی و مدیریت سود واقعی تهاجمی

با توجه به وجود تضاد منافع بین مالکان و مدیران بنگاه اقتصادی، کیفیت حسابرسی به این فرض بدیهی بستگی دارد که حسابرس نسبت به تمام گروه های ذی نفع در یک موضع مستقل قرار داشته باشد و بتواند گزارش خود را به صورت بی طرفانه ارائه کند. یکی از

عوامل مهم مؤثر بر کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرس است. دی آنجلو (۱۹۸۱)، کیفیت حسابرسی را ارزیابی و استنباط بازار از احتمال توانایی حسابرس در کشف تحریف‌های بااهمیت در صورت‌های مالی و یا سیستم حسابداری صاحب کار و گزارش تحریف‌های بااهمیت کشف شده، تعریف کرده است. احتمال اینکه حسابرس تحریف‌های بااهمیت را کشف کند، به شایستگی حسابرس و احتمال اینکه حسابرس تحریف‌های بااهمیت کشف شده را گزارش کند، به عنوان استقلال حسابرس تعبیر شده است. این تعریف، کیفیت حسابرسی را در قالب دانش و توانایی حسابرس اندازه‌گیری می‌کند، درحالی‌که گزارش بستگی به انگیزه‌های حسابرس برای افشاگری دارد؛ بنابراین، هرچه استقلال حسابرس بیشتر باشد، کیفیت حسابرسی بیشتر است. به اعتقاد سیمونیک^{۲۵} (۱۹۸۴) چنانچه حسابرس دارای استقلال لازم باشد، در رسیدگی‌های خود تحت تأثیر روابط و مسائل مختلف قرار نمی‌گیرد و با همه تخصص و نیروی خود در پی بهبود وضعیت شرکت و تحصیل و حفظ منافع سهامداران خواهد بود. مدیران شرکت‌های صاحب کار در فضای ایران به دلایل مختلف مانند حفظ موقعیت خود و پاسخگویی مناسب در مجمع عمومی سهامداران، به شدت به دنبال کاهش تعداد بندهای شرط در گزارش حسابرسی هستند. قاعدتاً حسابرسانی که در چنین شرایطی استقلال حرفه‌ای خود را حفظ کرده و تعداد بندهای شرط بیشتری را در گزارش حسابرسی ارائه کنند، می‌توانند از کیفیت بیشتری در اجرای فرآیند حسابرسی برخوردار باشند (بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۵). با توجه به این که مدیران به دنبال کاهش تعداد بندهای حسابرسی هستند، لذا روش‌هایی را بکار می‌برند که کشف آن‌ها برای حسابرسان دشوار باشد. در همین راستا، مدیران به دنبال مدیریت سود از طریق فعالیت‌های واقعی به جای مدیریت سود اقلام تعهدی هستند؛ لذا انتظار می‌رود که با افزایش مدیریت سود واقعی، تعداد بندهای گزارش حسابرسی کاهش یابد. چراکه مدیریت سود واقعی در تناقض با اصول پذیرفته‌شده حسابداری نمی‌باشد. چارچوب مطالعات کریشنان و همکاران (۲۰۱۳)، نشان داد که حسابرسان در مقابله با ریسک‌ها، ابتدا سعی می‌کنند که با افزایش رسیدگی‌ها به آن پاسخ دهند و در صورتی که برای آنان این اطمینان حاصل گردد که رسیدگی‌ها پاسخگوی کاهش ریسک آن‌ها نمی‌باشد، اقدام به افزایش حق‌الزحمه حسابرسی به منظور پوشش ریسک خود می‌کنند و در نهایت، وقتی که افزایش حق‌الزحمه ناکافی می‌شود، یا ریسک‌ها به یک حد بالاتر از سطح ریسک قابل قبول می‌رسد، از کار

کناره گیری می کنند. در این میان، شرکت هایی که مدیریت سود واقعی تهاجمی را بکار می برند، منجر می شود که ریسک حسابرسی در سطوح بالا قرار گیرد و کیفیت حسابرسی را تحت تأثیر قرار دهد؛ لذا هنگامی که شرکت ها درگیر مدیریت سود واقعی تهاجمی هستند، حسابرسان به منظور پوشش ریسک حسابرسی، حق الزحمه بیشتری را تقاضا می کنند؛ چراکه کشف مدیریت سود واقعی برای حسابرسان دشوار است. بر این اساس، انتظار می رود که مدیریت سود واقعی تهاجمی به دلیل دشواری در کشف آن، ارتباط معکوس با تعداد بندهای گزارش حسابرسی داشته باشد و حسابرسان با دریافت حق الزحمه بیشتر، ریسک خود را پوشش دهند. با توجه به مبانی نظری فوق، فرضیه های سوم و چهارم پژوهش به شرح زیر بیان می شود.

فرضیه سوم: مدیریت سود واقعی با تعداد بندهای گزارش حسابرسی ارتباط منفی دارد.

فرضیه چهارم: مدیریت سود واقعی تهاجمی با تعداد بندهای گزارش حسابرسی ارتباط

منفی دارد.

نوع اظهار نظر حسابرسی و مدیریت سود واقعی و مدیریت سود واقعی تهاجمی

نوع اظهار نظر حسابرسی نیز می تواند یکی از معیارهای سنجش کیفیت حسابرسی باشد. دی آنجلو (۱۹۸۱) اظهار نظر حسابرسی را نتیجه حسابرسی صورت های مالی تهیه شده توسط مدیریت می داند. از سوی دیگر، شرکت ها نیز اغلب خواهان کسب اظهار نظر مقبول حسابرسی هستند و لذا سعی می کنند تا با حسابرسی خود به توافق برسند یا حتی دست به تعویض حسابرسی بزنند (دی فاند و ژانگ، ۲۰۱۴)؛ بنابراین، می توان گفت که نوع اظهار نظر حسابرسی به خود حسابرسی بستگی دارد و صاحب کار می تواند تأثیر کمی بر آن بگذارد. در نتیجه صدور گزارش غیرمقبول توسط حسابرسی را می توان نشانه رسیدگی دقیق و همچنین مقاومت وی در برابر تلاش های صاحب کار برای تأثیر گذاری بر نوع اظهار نظر وی دانست. از این رو، می توان نوع اظهار نظر حسابرسی را به عنوان یکی از معیارهای عینی برای سنجش کیفیت حسابرسی استفاده کرد. به اعتقاد دی فاند و ژانگ (۲۰۱۴) کیفیت حسابرسی در شرکت های دارای اظهار نظر تعدیل شده بیشتر است. بر اساس تئوری وابستگی اقتصادی والمن، حسابرسی به دلیل پیوند و رابطه اقتصادی با صاحب کاران خاص، انگیزه های لازم برای به خطر انداختن استقلال خود و ارائه گزارش مطلوب مشتری را دارد؛ زیرا در نتیجه این وابستگی، ممکن است توانایی مؤسسه حسابرسی برای تحمل فشارهای

صاحب‌کار کاهش یابد و احتمال دارد که صاحب‌کار و حسابرس به دلیل وابستگی متقابل اقتصادی به دنبال سازش و صلح بیشتری باشند؛ زیرا گسست این رابطه برای هر دو هزینه‌هایی را در بردارد. در همین راستا، مدیران به دنبال دریافت اظهارنظر مقبول حسابرسی هستند، لذا روش‌هایی را بکار می‌برند که کشف آن برای حسابرس دشوار باشد؛ بنابراین، مدیریت سود واقعی را جایگزینی برای مدیریت سود اقلام تعهدی می‌دانند. از سوی دیگر، کشف مدیریت سود واقعی برای حسابرس دشوار است و اصول پذیرفته‌شده حسابداری را نقض نمی‌نماید؛ بنابراین، انتظار می‌رود که مدیریت سود واقعی با اظهارنظر غیرمقبول ارتباط معکوس داشته باشد. مطابق چارچوب کریشان و همکاران (۲۰۱۳)، حسابرسان در یک سطح قابل قبول از ریسک، به منظور کاهش ریسک خود، با افزایش رسیدگی‌ها آن را پاسخ می‌دهند و ریسک‌هایی را که نتوانند با رسیدگی‌های اضافی کاهش دهند، صرف ریسک بیشتری را تقاضا می‌کنند. در همین راستا، مدیریت سود واقعی تهاجمی باعث تشدید ریسک حسابرسی می‌شود و به دلیل دشواری در کشف مدیریت سود واقعی تهاجمی، حسابرسان به منظور پوشش ریسک حسابرسی، حق‌الزحمه بیشتری را تقاضا می‌کنند؛ بنابراین، انتظار می‌رود که مدیریت سود واقعی تهاجمی ارتباط منفی با اظهارنظر غیرمقبول حسابرسی داشته باشد. با توجه به مبانی نظری فوق، فرضیه‌های پنجم و ششم پژوهش به شرح زیر بیان می‌شود.

فرضیه پنجم: مدیریت سود واقعی با اظهارنظر غیرمقبول حسابرسی ارتباط منفی دارد.

فرضیه ششم: مدیریت سود واقعی تهاجمی با اظهارنظر غیرمقبول حسابرسی ارتباط منفی دارد.

پیشینه تجربی

ابراهیمی کردلر و سیدی (۱۳۸۷) در تحقیقی با موضوع نقش حسابرسان مستقل در کاهش اقلام تعهدی اختیاری دریافتند که بین نوع اظهارنظر حسابرس و تعداد بندهای گزارش حسابرس با اقلام تعهدی، رابطه معناداری وجود ندارد.

بادآور نهدی و تقی زاده خانقاه (۱۳۹۲) در تحقیقی به ارتباط بین کیفیت حسابرسی و مدیریت مصنوعی و واقعی سود پرداختند، نتایج تحقیق، نشان داد که بین شاخص کیفیت حسابرسی و مدیریت سود مصنوعی ارتباط منفی وجود دارد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که بین شاخص‌های کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی ارتباط مثبت وجود دارد.

بنی مهد و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی رابطه بین میان مدیریت سود و اظهارنظر حسابرس پرداختند، نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که مدیریت سود، اندازه شرکت، سودآوری، نسبت بدهی، حق الزحمه حسابرسی و مالکیت دولتی با تعداد بندهای حسابرسی قبل از بند اظهارنظر رابطه معنی‌دار دارند. همچنین یافته‌های آن‌ها بیانگر آن است که پیچیدگی شرکت، تغییر حسابرس و تغییر مدیریت با تعداد بندهای حسابرسی قبل از بند اظهارنظر رابطه‌ای معنی‌دار ندارند.

مرادی و همکاران (۱۳۹۳) نشان دادند که بین مدیریت سود و اظهارنظر تعدیل‌شده به دلیل ابهام در تداوم فعالیت شرکت، ارتباط مستقیم وجود دارد. درحالی‌که بین مدیریت سود و اظهارنظر تعدیل‌شده به دلایلی غیر از ابهام در تداوم فعالیت، ارتباط معناداری مشاهده نشده است.

ساکي و طاهری نیا (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر مدیریت سود بر اظهارنظر حسابرس پرداختند، آن‌ها نشان دادند که رابطه معنادار و معکوس بین مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری و اظهارنظر حسابرس است. همچنین در مورد مدیریت سود از طریق اقلام واقعی (جریان نقد عملیاتی) و اظهارنظر حسابرس رابطه‌ای معنادار در جهت معکوس می‌باشد.

محمدرضایی و گل‌چهره (۱۳۹۶) در تحقیقی با موضوع خطای حسابرسی، نوع گزارش و تعداد بندهای شرط حسابرسی: نقش مشغله کاری شرکای مؤسسات حسابرسی نشان دادند که با افزایش مشغله کاری شرکای مؤسسات حسابرسی، تعداد بندهای شرط گزارش حسابرسی کاهش، احتمال صدور گزارش غیرمقبول حسابرسی کاهش و خطای حسابرسی افزایش می‌یابد. لطیفی و جهان‌شاد (۱۳۹۸) در تحقیقی به تأثیر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود تعهدی و واقعی بر تجدیدارائه صورت‌های مالی پرداختند، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که کیفیت حسابرسی بر تجدیدارائه صورت‌های مالی تأثیر منفی دارد درحالی‌که مدیریت سود تعهدی و واقعی بر تجدیدارائه صورت‌های مالی تأثیر مثبت دارند. به‌عبارت دیگر می‌توان گفت در صورت بالا بودن کیفیت حسابرسی، احتمال تجدیدارائه صورت‌های مالی کاهش و در صورت افزایش مدیریت سود تعهدی و واقعی، احتمال تجدیدارائه صورت‌های مالی نیز افزایش می‌یابد.

حمیدیان و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی به تأثیر مدیریت سود واقعی بر اظهارنظر حسابرسی درباره تداوم فعالیت در شرکت‌های در مانده مالی پرداختند. نتایج تحقیق

مدیریت سود واقعی از طریق دست کاری جریان‌های نقد عملیاتی و هزینه‌های اختیاری تأثیر مثبت و معناداری بر احتمال وجود بند ابهام تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی دارد؛ با این حال، شواهدی مبنی بر تأثیر معنادار مدیریت سود واقعی از طریق دست کاری هزینه‌های تولید بر احتمال وجود بند تداوم فعالیت در گزارش حسابرس یافت نشد.

چن و همکاران (۲۰۰۱) در تحقیقی با موضوع مقررات سودآوری، مدیریت سود و اظهار نظر تعدیل شده حسابرسی: شواهدی از چین، دریافتند که تمایل مدیران به دست کاری سود، با اظهار نظر تعدیل شده حسابرس رابطه مثبت دارد.

چی و همکاران (۲۰۱۱) در تحقیقی با موضوع آیا بهبود کیفیت حسابرسی با مدیریت سود واقعی بیشتر مرتبط است؟ نشان دادند که حسابرسان متخصص صنعت و حق‌الزحمه حسابرسی با سطوح بالاتری از مدیریت سود واقعی مرتبط است. مطالعات آن‌ها نشان می‌دهد که حسابرسان با کیفیت بالاتر، مدیریت سود تعهدی را محدود می‌کند، یعنی شرکت‌ها به مدیریت سود واقعی حتی پرهزینه‌تر متوسل می‌شوند. همچنین دریافتند که دوره تصدی طولانی‌تر حسابرس با مدیریت سود واقعی بیشتر مرتبط است.

تسیوریدو و اسپاتیس^{۲۶} (۲۰۱۴) در تحقیقی با عنوان اظهار نظر حسابرسی و مدیریت سود: شواهدی از یونان، نشان دادند که بین اظهار نظر حسابرس و مدیریت سود رابطه معناداری نیست.

جیانگ و همکاران^{۲۷} (۲۰۱۵)، در پژوهشی تحت عنوان "تجدید ارائه حسابداری و کیفیت حسابرسی در چین" به این نتیجه رسیدند که حسابرسی با کیفیت بالا باعث کاهش تجدید ارائه صورت‌های مالی می‌گردد.

شاوون و همکاران^{۲۸} (۲۰۱۶) به بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی و کیفیت حسابرسی پرداختند، نتایج تحقیق نشان داد که مدیریت سود واقعی با برخی از شاخص‌های موجود کیفیت حسابرسی همبستگی مثبت دارد. همچنین مدیران در کشور کره به‌طور هم‌زمان از فعالیت‌های واقعی و اقلام تعهدی اختیاری به‌عنوان ابزاری برای مدیریت سود استفاده می‌کنند.

گرینر و همکاران^{۲۹} (۲۰۱۷)، رابطه بین مدیریت سود واقعی تهاجمی و حق‌الزحمه حسابرسی جاری و آتی را بررسی نمودند، آن‌ها نشان دادند که مدیریت سود تهاجمی به‌استثنای مدیریت

سود تهاجمی از طریق هزینه‌های عمومی، اداری و فروش، رابطه مثبتی با حق‌الزحمه حسابرسی جاری و آتی دارد.

انیسا و همکاران^{۳۰} (۲۰۱۹) به بررسی کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی: تحلیلی بر اساس حسابرسان متخصص صنعت و اهمیت مشتری پرداختند. نتایج آزمون نشان داد که حسابرسان متخصص صنعت بر مدیریت سود واقعی تأثیر منفی دارند.

سیتانگانگ و همکاران^{۳۱} (۲۰۲۰)، در تحقیقی با موضوع کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی: شواهدی از بخش تولید بریتانیا پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که حق‌الزحمه حسابرسی به‌طور منفی با جریان‌های نقد عملیاتی غیرعادی مرتبط است. برعکس، حق‌الزحمه حسابرسی به‌طور مثبت با هزینه‌های اختیاری غیرعادی مرتبط است. همچنین، شاخص‌های کیفیت حسابرسی با هزینه‌های غیرعادی تولید و شاخص مدیریت سود واقعی رابطه ناچیز نشان می‌دهند. به‌طور کلی، این مطالعه شواهدی جزئی از رابطه معنادار بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی پیدا می‌کند.

پاچکو-پاردس و ویتلی^{۳۲} (۲۰۲۱) در تحقیقی نشان دادند که به‌طور کلی، مدیریت سود واقعی با تأخیر غیرعادی گزارش حسابرسی همراه است. نتایج آن‌ها نشان داد که وقتی حسابرسان تحت فشار زمان قرار نگیرند، مدیریت سود واقعی با تلاش حسابرسی بیشتر همراه است.

گاندیا و هوگت^{۳۳} (۲۰۲۱)، با مطالعه حق‌الزحمه حسابرسی و مدیریت سود، نشان دادند که حسابرسی‌های اجباری در ممانعت از مدیریت سود در مواقعی که حق‌الزحمه حسابرسی بالا است، مؤثرتر است. همچنین نشان دادند که حق‌الزحمه حسابرسی تنها زمانی با مدیریت سود ارتباط منفی دارد که ارقام تعهدی حداکثر شده باشد (حداکثرسازی سود) که با محافظه‌کاری حسابرسان مرتبط است.

سلاسی آویه^{۳۴} (۲۰۲۲)، به بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس فرانسه پرداخت. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که صاحب‌کاران چهار مؤسسه بزرگ حسابرسی، سطوح بالاتری از ارقام تعهدی و مدیریت سود واقعی را ثبت می‌کنند.

زگارنی و چیخائویی^{۳۵} (۲۰۲۲) در تحقیقی با موضوع کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی: شواهدی از بانک‌های تونس پرداختند. نتایج آن‌ها حاکی از آن است که حضور

یک حسابرس معتبر، مدیریت سود واقعی را محدود می‌کند. با این حال، نتایج نشان می‌دهد که دوره تصدی حساب‌رسان این شیوه‌های اختیاری را افزایش می‌دهد. اگونی‌ککه و همکاران^{۳۶} (۲۰۲۳)، به بررسی باقی‌مانده حق‌الزحمه حسابرسی و هموارسازی سود واقعی از طریق جریان‌های نقد عملیاتی و مخارج تولید شرکت‌های غیرمالی پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که اثر منفی معنی‌داری میان حق‌الزحمه حسابرسی بر هموارسازی جریان نقد عملیاتی (واقعی) و هموارسازی مخارج تولید شرکت‌های غیرمالی وجود دارد.

حسن و همکاران^{۳۷} (۲۰۲۳) به موضوع تأثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود واقعی: نقش تعدیل‌کننده حاکمیت شرکتی پرداختند. نتایج تحقیق، نشان داد که شرکت‌ها از مدیریت سود تعهدی به مدیریت سود واقعی در اقتصادهای توسعه‌یافته که با سازوکارهای حاکمیت قوی مشخص می‌شوند، روی می‌آورند. علاوه بر این، در حضور حسابرس چهار مؤسسه بزرگ حسابرسی ارتباط منفی بین سازوکار حاکمیت شرکتی و مدیریت سود افزایش می‌یابد.

روش‌شناسی

این تحقیق از نظر هدف کاربردی است و از نظر روش از نوع همبستگی می‌باشد و با توجه به این که از اطلاعات گذشته استفاده می‌نماید به صورت پس‌رویدادی است. به عبارت بهتر، این تحقیق یک نوع تحقیق کمی محسوب می‌شود که از طریق تحلیل همبستگی متغیرها به بررسی و آزمون فرضیه‌ها می‌پردازد. روش رگرسیونی مورد استفاده در این تحقیق، روش رگرسیون ترکیبی است.

در این پژوهش به منظور تدوین مبانی و مفاهیم نظری از روش کتابخانه‌ای و اسنادکاوی و از لحاظ تحلیل داده از روش‌های آماری استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز این پژوهش از صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌ها و از طریق بانک‌های اطلاعاتی رایانه‌ای، سایت بورس اوراق بهادار تهران، نرم‌افزار ره‌آورد نوین و سایت کدال جمع‌آوری شده است. محاسبات اولیه داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار اکسل و تجزیه و تحلیل نهایی آن‌ها به کمک نرم‌افزار Stata انجام شده است.

جامعه آماری تحقیق شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۹ است که دارای مشخصات زیر هستند:

- ۱- از ابتدای سال ۱۳۸۸ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
- ۲- جزء شرکت‌های تخصصی سرمایه‌گذاری (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گران مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ‌ها)، بیمه‌ها و بانکی نباشند، زیرا این شرکت‌ها ماهیت و طبقه‌بندی اقلام صورت‌های مالی متفاوتی دارند.
- ۳- به‌منظور قابلیت مقایسه، سال مالی آن‌ها پایان اسفندماه باشد و طی دوره موردبررسی تغییر سال مالی نداشته باشند.
- ۴- در هر صنعت به تعداد کافی (حداقل ۸ شرکت) وجود داشته باشد. با توجه به این که مدیریت سود به تفکیک هر صنعت و در هر سال و با ساختار مقطعی محاسبه می‌گردد؛ لذا می‌بایست در هر صنعت به تعداد کافی شرکت (حداقل ۸ شرکت در هر صنعت) وجود داشته باشد (بنی مهد و همکاران، ۱۴۰۱؛ حاجیها و چناری، ۱۳۹۶).
- ۵- داده‌های آن‌ها در دسترس باشد و حق‌الزحمه حسابرسی را افشا کرده باشند. با توجه به دوره زمانی پژوهش و اعمال محدودیت‌های فوق، تعداد مشاهدات ۸۶۴ شرکت - سال است. نحوه غربالگری داده‌ها در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: جامعه در دسترس

تعداد مشاهدات	تعداد شرکت	شرح
۴۶۳۲	۳۸۶	کل شرکت‌هایی که تا پایان سال ۱۳۹۹ عضو بورس بودند.
(۵۲۸)	(۴۴)	کسر می‌شود: شرکت‌هایی که از ابتدای سال ۱۳۸۸ در بورس پذیرفته نشده باشند.
(۸۷۶)	(۷۳)	کسر می‌شود: شرکت‌هایی که جزء شرکت‌های تخصصی سرمایه‌گذاری، بیمه و بانک باشند.
(۹۱۲)	(۷۶)	کسر می‌شود: شرکت‌هایی که سال مالی آن منتهی به پایان اسفند نباشد.
(۲۶۴)	(۲۲)	کسر می‌شود: شرکت‌هایی که تغییر سال مالی داده باشد.
(۳۷۲)	(۳۱)	کسر می‌شود: شرکت‌هایی که در هر صنعت به تعداد کافی (حداقل ۸ شرکت در هر صنعت) نبودند.
(۸۱۶)	(۶۸)	کسر می‌شود: شرکت‌هایی که داده‌های آن‌ها در دسترس نمی‌باشد و حق‌الزحمه حسابرسی را افشا نکرده‌اند.
۸۶۴	۷۲	باقی مانده

مدل‌ها و متغیرها

به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل گرینر و همکاران (۲۰۱۷) و مدل‌های توسعه یافته در فضای پژوهشی ایران توسط محمدرضایی و فرجی (۱۳۹۸) استفاده شده است.

مدل فرضیه اول:

$$\begin{aligned}
 AUIDT\ FAIL\ B_{i,t} &= \beta_0 + \beta_1 LN\ ASSETS_{i,t} + \beta_2 INVREC_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} \\
 &+ \beta_4 EBIT_{i,t} + \beta_5 LOSS_{i,t} + \beta_6 LN\ AUDIT\ FEES_{i,t} \\
 &+ \beta_7 AUDITOR\ CHANGE_{i,t} + \beta_8 SUBS_{i,t} + \beta_9 FRA_{i,t} \\
 &+ \beta_{10} LN\ DELAY_{i,t} + \beta_{11} LN\ AGE_{i,t} + \beta_{12} DISTRESS_{i,t} \\
 &+ \beta_{13} DA_{i,t-1} + \beta_{14} DA_{i,t} + \beta_{15} REM_{i,t-1} + \beta_{16} REM_{i,t} \\
 &+ \beta_{17} CEO\ CHANGE_{i,t} + \beta_{18} DPS_{i,t} + \beta_{19} FCF_{i,t} \\
 &+ \beta_{20} INS_{i,t} + \beta_{21} CONOWN_{i,t} \\
 &+ \beta_{22} \sum INDUSTRYDUM_{i,t} + \beta_{23} \sum YEARDUM_{i,t} + \varepsilon_{i,t}
 \end{aligned}$$

مدل (۱)

متغیر وابسته:

$AUIDT\ FAIL\ B$ = خطای نوع دوم حسابرسی است. بدین صورت که اگر گزارش حسابرسی مقبول در سال مالی قبل صادر و صورت‌های مالی در سال جاری تجدیدارائه شده باشند مقدار یک و در غیر این صورت، مقدار صفر می‌گیرد. (محمدرضایی و همکاران، ۲۰۱۸).

متغیر مستقل:

REM = شاخص مدیریت سود واقعی است که برای محاسبه آن از مدل روی چودهری (۲۰۰۶) به شرح زیر استفاده شده است.

$$\frac{CFO_t}{A_{t-1}} = \beta_0 + \beta_1 + \frac{1}{A_{t-1}} + \beta_2 \frac{SALES_t}{A_{t-1}} + \beta_3 \frac{\Delta SALES_t}{A_{t-1}} + \varepsilon$$

مدل (۲)

$$\frac{CGS_t}{A_{t-1}} = \beta_0 + \beta_1 + \frac{1}{A_{t-1}} + \beta_2 \frac{SALES_t}{A_{t-1}} + \beta_3 \frac{\Delta SALES_t}{A_{t-1}} + \beta_4 \frac{\Delta SALES_{t-1}}{A_{t-1}} + \varepsilon$$

مدل (۳)

$$\frac{DISE_t}{A_{t-1}} = \beta_0 + \beta_1 + \frac{1}{A_{t-1}} + \beta_2 \frac{SALES_t}{A_{t-1}} + \varepsilon$$

مدل (۴)

CFO_t = جریان نقد عملیاتی در سال جاری است.

$SALES_t$ = جمع درآمد فروش طی سال جاری است.

$\Delta SALES_t$ = تغییرات درآمد فروش سال جاری نسبت به سال قبل است.

CGS_t = بهای تمام شده کالای فروش رفته در سال جاری است.

$\Delta SALES_{t-1}$ = تغییرات درآمد فروش سال قبل نسبت به دو سال قبل است.

$DISE_t$ = جمع هزینه‌های عمومی، توزیع و فروش در سال جاری است.

به منظور محاسبه معیار یکپارچه مدیریت سود واقعی به پیروی از کوهن و زاوین^{۳۸} (۲۰۱۰) و زانگ^{۳۹} (۲۰۱۲)، باقی مانده مدل‌های ۲ و ۳ و ۴ با یکدیگر جمع شده است و برای سادگی در تفسیر معیار حاصل شده، عدد ۱- در مقادیر خطای مدل‌های ۲ و ۴ ضرب شده است. هرچه این اندازه برای شرکت بیشتر باشد، مدیریت سود واقعی در آن شرکت بیشتر است.

متغیرهای کنترلی:

$LNASSETS$ = اندازه شرکت است که از لگاریتم طبیعی دارایی‌ها به دست می‌آید.

$INVREC$ = عبارت است از نسبت حساب‌های دریافتی و موجودی کالا به کل دارایی‌ها

LEV = عبارت است از نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها

$EBIT$ = عبارت است از نسبت سود قبل از بهره و مالیات به کل دارایی‌ها

$LOSS$ = مقدار یک، اگر شرکت در سال جاری زیان گزارش کرده باشد و در غیر

این صورت مقدار صفر می‌گیرد.

$LN AUDIT FEES$ = لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی است که از صورت‌های

مالی شرکت‌ها استخراج می‌شود.

$AUDITOR CHANGE$ = تغییر حسابرسان است. بدین صورت که مقدار یک، اگر

شرکت حسابرسان خود را تغییر داده باشد و در غیر این صورت، مقدار صفر می‌گیرد.

$SUBS$ = شاخص پیچیدگی شرکت است. بدین صورت که مقدار یک، اگر شرکت

دارای شرکت فرعی باشد و در غیر این صورت، مقدار صفر می‌گیرد. (گریسر و همکاران،

۲۰۱۷؛ محمدرضایی و فرجی، ۱۳۹۸).

FRA = حسابرسان رتبه اول است. بدین صورت که اگر مؤسسه حسابرسی جزء

مؤسسات طبقه اول باشد مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر می‌گیرد (محمدرضایی و فرجی، ۱۳۹۸).

$LN\ DELAY$ = تأخیر در گزارش حسابرسی است که از طریق لگاریتم طبیعی تعداد روزها از پایان سال مالی تا تاریخ گزارش حسابرسی به دست می‌آید. (گرینر و همکاران، ۲۰۱۷).

$LN\ AGE$ = سن شرکت است که از طریق لگاریتم طبیعی سن شرکت به دست می‌آید (محمدرضایی و فرجی، ۱۳۹۸).

$DISTRESS$ = شاخص ورشکستگی است که از طریق مدل ورشکستگی زیمسکی^{۴۰} به شرح زیر به دست می‌آید.

$$(Z) = -\frac{4}{3} - \frac{4}{5} (ROA) + \frac{5}{7} (FINL) + \frac{0}{1004} (LIQ)$$

مدل (۵)

که در آن:

ROA = بازده دارایی است که عبارت است از سود خالص تقسیم بر کل دارایی‌ها

$FINL$ = کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها است.

LIQ = دارایی جاری تقسیم بر بدهی جاری است. (نسبت جاری)

وقتی که $Z < 0/5$ باشد شرکت غیر ورشکسته و وقتی که $Z > 0/5$ باشد شرکت ورشکسته به حساب می‌آید.

DA_{it} = شاخص مدیریت سود اقلام تعهدی اختیاری در سال جاری است که از طریق مدل‌های زیر به دست می‌آید.

مدل جونز تعدیل شده:

$$\frac{TACC_t}{A_{t-1}} = \beta_0 + \beta_1 \frac{1}{A_{t-1}} + \beta_2 \frac{\Delta REV_t - \Delta REC_t}{A_{t-1}} + \beta_3 \frac{PPE_t}{A_{t-1}} + \varepsilon$$

مدل (۶)

که در آن:

$TACC$ = اقلام تعهدی اختیاری است که از حاصل سود عملیاتی منهای جریان نقد عملیاتی به دست می‌آید (بنی مهد و همکاران، ۱۴۰۱).

$1/At-1$ = بیانگر تقسیم عدد ۱ بر جمع کل دارایی‌های ابتدای دوره است.

ΔREV = تغییرات کل درآمد فروش سال جاری نسبت به سال قبل است.

ΔREC = تغییرات حساب‌های دریافتی سال جاری نسبت به سال قبل است.

PPE = املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات است که از صورت‌های مالی شرکت استخراج می‌شود.

ε = خطای مدل است که نشانگر شاخص مدیریت سود اقلام تعهدی اختیاری است.

مدل کوتاری:

$$\frac{TACC_t}{A_{t-1}} = \beta_0 + \beta_1 + \frac{1}{A_{t-1}} + \beta_2 \frac{\Delta REV_t - \Delta REC_t}{A_{t-1}} + \beta_3 \frac{PPE_t}{A_{t-1}} + \beta_4 + ROA_t + \varepsilon$$

مدل (۷)

ROA = بازده دارایی‌ها است که از تقسیم سود خالص به جمع کل دارایی‌ها به دست می‌آید. سایر متغیرها همانند مدل جونز تعدیل شده (مدل ۶) است.

به منظور همگن سازی متغیرها، کل متغیرها بر جمع دارایی‌های ابتدای دوره تقسیم شده‌اند.

$DA_{i,t-1}$ = شاخص مدیریت سود اقلام تعهدی اختیاری در سال قبل است که با استفاده از

مدل‌های ۶ و ۷ به دست می‌آید.

$REM_{i,t-1}$ = شاخص مدیریت سود واقعی در سال قبل است که با استفاده از مدل‌های ۲ و ۳ و

۴ به دست می‌آید.

$CEO\ CHANGE$ = تغییر مدیرعامل است.

DPS = میزان سود تقسیم شده هر شرکت در سال جاری است.

FCF = جریان نقد آزاد است که از تفاوت جریان نقد عملیاتی و خالص سرمایه‌گذاری در

دارایی‌های ثابت به دست می‌آید.

INS = میزان درصد سهامداران نهادی است که از یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی

شرکت‌ها به دست می‌آید.

$CONOWN$ = تمرکز مالکیت است که عبارت است از سهامدارانی که بیش از ۵۰٪ از سهام شرکت را دارا باشند.

$INDUSTRYDUM$ = متغیر کنترلی صنعت است.

$YEARDUM$ = متغیر کنترلی سال است.

مدل فرضیه دوم:

$$\begin{aligned}
 \text{AUDIT FAIL B}_{i,t} &= \beta_0 + \beta_1 \text{LNASSETS}_{i,t} + \beta_2 \text{INVRECV}_{i,t} + \beta_3 \text{LEV}_{i,t} \\
 &+ \beta_4 \text{EBIT}_{i,t} + \beta_5 \text{LOSS}_{i,t} + \beta_6 \text{LN AUDIT FEES}_{i,t} \\
 &+ \beta_7 \text{AUDITOR CHANGE}_{i,t} + \beta_8 \text{SUBS}_{i,t} + \beta_9 \text{FRA}_{i,t} \\
 &+ \beta_{10} \text{LN DELAY}_{i,t} + \beta_{11} \text{LN AGE}_{i,t} + \beta_{12} \text{DISTRESS}_{i,t} \\
 &+ \beta_{13} \text{Q4 DA}_{i,t-1} + \beta_{14} \text{Q4 DA}_{i,t} + \beta_{15} \text{Q4 REM}_{i,t-1} \\
 &+ \beta_{16} \text{Q4 REM}_{i,t} + \beta_{17} \text{CEO CHANGE}_{i,t} + \beta_{18} \text{DPS}_{i,t} \\
 &+ \beta_{19} \text{FCF}_{i,t} + \beta_{20} \text{INS}_{i,t} + \beta_{21} \text{CONOWN}_{i,t} \\
 &+ \beta_{22} \sum \text{INDUSTRYDUM}_{i,t} + \beta_{23} \sum \text{YEARDUM}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}
 \end{aligned}$$

مدل (۸)

متغیر وابسته:

AUDIT FAIL B = خطای نوع دوم حسابرسی است. بدین صورت که مقدار یک، اگر گزارش حسابرسی مقبول در سال مالی قبل صادر و صورت‌های مالی در سال جاری تجدید ارائه شده باشند و در غیر این صورت، مقدار صفر می‌گیرد.

متغیر مستقل:

$\text{Q4 REM}_{i,t}$ = شاخص مدیریت سود واقعی تهاجمی در سال جاری است که برای محاسبه آن از مدل‌های ۲ و ۳ و ۴ استفاده می‌شود. به این صورت که مقدار یک، اگر شرکت در چارک چهارم متغیر سود واقعی قرار گیرد و در غیر این صورت، مقدار صفر می‌گیرد (گرینر و همکاران، ۲۰۱۷).

متغیرهای کنترلی:

$\text{Q4 REM}_{i,t-1}$ = شاخص مدیریت سود واقعی تهاجمی در سال قبل است.
 $\text{Q4 DA}_{i,t}$ = شاخص مدیریت سود اقلام تعهدی اختیاری تهاجمی در سال جاری است که از مدل‌های ۶ و ۷ به دست می‌آید. به این صورت که مقدار یک، اگر شرکت در چارک چهارم متغیر سود اقلام تعهدی اختیاری قرار گیرد و در غیر این صورت، مقدار صفر می‌گیرد (گرینر و همکاران، ۲۰۱۷).

$\text{Q4 DA}_{i,t-1}$ = شاخص مدیریت سود اقلام تعهدی اختیاری تهاجمی در سال قبل است.

سایر متغیرها همانند متغیرهای بکار رفته در مدل (۱) است.

مدل فرضیه سوم:

$$\begin{aligned}
 AQPNum_{i,t} = & \beta_0 + \beta_1 LNASSETS_{i,t} + \beta_2 INVRECV_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} \\
 & + \beta_4 EBIT_{i,t} + \beta_5 LOSS_{i,t} + \beta_6 LN\ AUDIT\ FEES_{i,t} \\
 & + \beta_7 AUDITOR\ CHANGE_{i,t} + \beta_8 SUBS_{i,t} + \beta_9 FRA_{i,t} \\
 & + \beta_{10} LN\ DELAY_{i,t} + \beta_{11} LN\ AGE_{i,t} + \beta_{12} DISTRESS_{i,t} \\
 & + \beta_{13} DA_{i,t-1} + \beta_{14} DA_{i,t} + \beta_{15} REM_{i,t-1} + \beta_{16} REM_{i,t} \\
 & + \beta_{17} CEO\ CHANGE_{i,t} + \beta_{18} DPS_{i,t} + \beta_{19} FCF_{i,t} \\
 & + \beta_{20} INS_{i,t} + \beta_{21} CONOWN_{i,t} \\
 & + \beta_{22} \sum INDUSTRYDUM_{i,t} + \beta_{23} \sum YEARDUM_{i,t} + \varepsilon_{i,t}
 \end{aligned}$$

مدل (۹)

متغیر وابسته:

AQPNum = تعداد بندهای گزارش حسابرس قبل از بند اظهارنظر است (بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۳).

متغیر مستقل:

REM = شاخص مدیریت سود واقعی است که برای محاسبه آن از مدل‌های ۲ و ۳ و ۴ استفاده می‌شود. متغیرهای کنترلی:

همانند متغیرهای بکار رفته در مدل ۱ است.

مدل فرضیه چهارم:

$$\begin{aligned}
 AQPNum_{i,t} = & \beta_0 + \beta_1 LNASSETS_{i,t} + \beta_2 INVRECV_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} \\
 & + \beta_4 EBIT_{i,t} + \beta_5 LOSS_{i,t} + \beta_6 LN\ AUDIT\ FEES_{i,t} \\
 & + \beta_7 AUDITOR\ CHANGE_{i,t} + \beta_8 SUBS_{i,t} + \beta_9 FRA_{i,t} \\
 & + \beta_{10} LN\ DELAY_{i,t} + \beta_{11} LN\ AGE_{i,t} + \beta_{12} DISTRESS_{i,t} \\
 & + \beta_{13} Q4\ DA_{i,t-1} + \beta_{14} Q4\ DA_{i,t} + \beta_{15} Q4\ REM_{i,t-1} \\
 & + \beta_{16} Q4\ REM_{i,t} + \beta_{17} CEO\ CHANGE_{i,t} + \beta_{18} DPS_{i,t} \\
 & + \beta_{19} FCF_{i,t} + \beta_{20} INS_{i,t} + \beta_{21} CONOWN_{i,t} \\
 & + \beta_{22} \sum INDUSTRYDUM_{i,t} + \beta_{23} \sum YEARDUM_{i,t} + \varepsilon_{i,t}
 \end{aligned}$$

مدل (۱۰)

متغیر وابسته:

AQPNum = تعداد بندهای گزارش حسابرس قبل از بند اظهارنظر است.

متغیر مستقل:

Q4 REM_{i,t} = شاخص مدیریت سود واقعی تهاجمی در سال جاری است که برای

محاسبه آن از مدل‌های ۲ و ۳ و ۴ استفاده می‌شود. اگر شرکت در چارک چهارم متغیر سود واقعی قرار گیرد مقدار یک و در غیر این صورت، مقدار صفر می‌گیرد.

متغیرهای کنترلی:

$Q4\ REM_{i,t-1}$ = شاخص مدیریت سود واقعی تهاجمی در سال قبل است.

$Q4\ DA_{i,t}$ = شاخص مدیریت سود اقلام تعهدی اختیاری تهاجمی در سال جاری است که از مدل‌های ۶ و ۷ به دست می‌آید. به این صورت که مقدار یک، اگر شرکت در چارک چهارم متغیر سود اقلام تعهدی اختیاری قرار گیرد و در غیر این صورت، مقدار صفر می‌گیرد.

$Q4\ DA_{i,t-1}$ = شاخص مدیریت سود اقلام تعهدی اختیاری تهاجمی در سال قبل است.

سایر متغیرها همانند متغیرهای بکار رفته در مدل (۱) است.

مدل فرضیه پنجم:

AUDIT OPINION $_{i,t}$

$$\begin{aligned} &= \beta_0 + \beta_1 LNASSETS_{i,t} + \beta_2 INVRECV_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} \\ &+ \beta_4 EBIT_{i,t} + \beta_5 LOSS_{i,t} + \beta_6 LN\ AUDIT\ FEES_{i,t} \\ &+ \beta_7 AUDITOR\ CHANGE_{i,t} + \beta_8 SUBS_{i,t} + \beta_9 FRA_{i,t} \\ &+ \beta_{10} LN\ DELAY_{i,t} + \beta_{11} LN\ AGE_{i,t} + \beta_{12} DISTRESS_{i,t} \\ &+ \beta_{13} DA_{i,t-1} + \beta_{14} DA_{i,t} + \beta_{15} REM_{i,t-1} + \beta_{16} REM_{i,t} \\ &+ \beta_{17} CEO\ CHANGE_{i,t} + \beta_{18} DPS_{i,t} + \beta_{19} FCF_{i,t} \\ &+ \beta_{20} INS_{i,t} + \beta_{21} CONOWN_{i,t} \\ &+ \beta_{22} \sum INDUSTRYDUM_{i,t} + \beta_{23} \sum YEARDUM_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \end{aligned}$$

مدل (۱۱)

متغیر وابسته:

AUDIT OPINION = اظهار نظر حسابرسی است. بدین صورت که مقدار یک، اگر

حسابرس اظهار نظر غیر مقبول ارائه نماید و در غیر این صورت مقدار صفر می‌گیرد.

متغیر مستقل:

REM = شاخص مدیریت سود واقعی است که برای محاسبه آن از مدل‌های ۲ و ۳ و ۴

استفاده می‌شود.

متغیرهای کنترلی:

همانند متغیرهای بکار رفته در مدل ۱ است.

مدل فرضیه ششم:

$$\begin{aligned}
 \text{AUDIT OPINION}_{i,t} &= \beta_0 + \beta_1 \text{LNASSETS}_{i,t} + \beta_2 \text{INVRECV}_{i,t} + \beta_3 \text{LEV}_{i,t} \\
 &+ \beta_4 \text{EBIT}_{i,t} + \beta_5 \text{LOSS}_{i,t} + \beta_6 \text{LN AUDIT FEES}_{i,t} \\
 &+ \beta_7 \text{AUDITOR CHANGE}_{i,t} + \beta_8 \text{SUBS}_{i,t} + \beta_9 \text{FRA}_{i,t} \\
 &+ \beta_{10} \text{LN DELAY}_{i,t} + \beta_{11} \text{LN AGE}_{i,t} + \beta_{12} \text{DISTRESS}_{i,t} \\
 &+ \beta_{13} \text{Q4 DA}_{i,t-1} + \beta_{14} \text{Q4 DA}_{i,t} + \beta_{15} \text{Q4 REM}_{i,t-1} \\
 &+ \beta_{16} \text{Q4 REM}_{i,t} + \beta_{17} \text{CEO CHANGE}_{i,t} + \beta_{18} \text{DPS}_{i,t} \\
 &+ \beta_{19} \text{FCF}_{i,t} + \beta_{20} \text{INS}_{i,t} + \beta_{21} \text{CONOWN}_{i,t} \\
 &+ \beta_{22} \sum \text{INDUSTRYDUM}_{i,t} + \beta_{23} \sum \text{YEAR DUM}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}
 \end{aligned}$$

مدل (۱۲)

متغیر وابسته:

AUDIT OPINION = اظهار نظر حسابرسی است. بدین صورت که مقدار یک، اگر حسابرس اظهار نظر غیر مقبول ارائه نماید و در غیر این صورت، مقدار صفر می گیرد.

متغیر مستقل:

$Q4 \text{ REM}_{i,t}$ = شاخص مدیریت سود واقعی تهاجمی در سال جاری است که برای محاسبه آن از مدل های ۲ و ۳ و ۴ استفاده می شود. به این صورت که مقدار یک، اگر شرکت در چارک چهارم متغیر سود واقعی قرار گیرد و در غیر این صورت، مقدار صفر می گیرد.

متغیرهای کنترلی:

$Q4 \text{ REM}_{i,t-1}$ = شاخص مدیریت سود واقعی تهاجمی در سال قبل است.
 $Q4 \text{ DA}_{i,t}$ = شاخص مدیریت سود اقلام تعهدی اختیاری تهاجمی در سال جاری است که از مدل های ۶ و ۷ به دست می آید. به این صورت که مقدار یک، اگر شرکت در چارک چهارم متغیر سود اقلام تعهدی اختیاری قرار گیرد و در غیر این صورت، مقدار صفر می گیرد.
 $Q4 \text{ DA}_{i,t-1}$ = شاخص مدیریت سود اقلام تعهدی اختیاری تهاجمی در سال قبل است. سایر متغیرها همانند متغیرهای بکار رفته در مدل (۱) است.

یافته ها

آمار توصیفی

در جدول ۲ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. این جداول حاوی شاخص هایی برای توصیف متغیرهای تحقیق است. این پارامترها شامل اطلاعات مربوط به شاخص های مرکزی و همچنین اطلاعات مربوط به شاخص های پراکندگی مانند انحراف معیار است.

جدول ۲: آمار توصیفی متغیرها

پنل الف) متغیرهای پیوسته

متغیر	نماد	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی	LN AUDIT FEES	۶/۹۴۹	۶/۸۷۰	۸/۷۳۰	۵/۴۴۰	۰/۹۰۸
مدیریت سود جریان نقد عملیاتی	REMCFO	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۳۰۲	-۰/۳۹۶	۰/۰۹۲
مدیریت سود بهای تمام شده	REMC GS	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۳۳۵	-۰/۵۶۳	۰/۰۸۳
مدیریت سود هزینه عمومی، توزیع و فروش	REMDISE	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۸۸	-۰/۰۷۷	۰/۰۲۴
مدیریت سود واقعی	REM	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۶۶۲	-۰/۷۹۵	۰/۱۵۶
مدیریت سود تعهدی جونز تعدیل شده	DAADJONES	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۳۳۶	-۰/۳۱۶	۰/۰۸۲
مدیریت سود تعهدی کوتاری	DAKOTHARI	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۳۳۵	-۰/۳۲۴	۰/۰۶۳
اندازه شرکت	LNASSET	۱۴/۰۳۲	۱۳/۹۲۰	۱۶/۶۵۰	۱۱/۸۷۰	۱/۲۴۶
نسبت حساب‌های دریافتی و موجودی کالا به کل دارایی‌ها	INVRECV	۰/۴۹۶	۰/۵۰۰	۰/۸۲۰	۰/۱۳۰	۰/۲۰۸
اهرم مالی	LEV	۰/۵۸۵	۰/۶۲۰	۰/۹۲۰	۰/۱۷۰	۰/۲۰۲
سود قبل از بهره و مالیات*	EBIT	۰/۱۴۶	۰/۱۲۰	۰/۴۶۰	-۰/۰۸۰	۰/۱۴۴
لگاریتم طبیعی تأخیر گزارش حسابرسی	LN DELAY	۴/۲۶۷	۴/۳۳۰	۴/۷۴۰	۳/۵۸۰	۰/۳۶۴
لگاریتم طبیعی سن شرکت	LN AGE	۳/۵۳۷	۳/۶۲۵	۴/۰۹۰	۲/۷۱۰	۰/۴۳۰

جدول ۲: آمار توصیفی متغیرها

پنل الف) متغیرهای پیوسته

متغیر	نماد	میانگین	میان	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
سود تقسیمی**	DPS	۰/۰۷۶	۰/۰۶۰	۰/۲۳۰	۰/۰۰۰	۰/۰۷۶
تعداد بندهای گزارش حسابرسان	AQPNum	۱/۳۹۰	۰/۰۰۰	۱۵/۰۰۰	۰/۰۰۰	۲/۰۶۰
جریان نقد آزاد*	FCF	۰/۰۷۹	۰/۰۷۰	۰/۳۲۰	-۰/۱۲۰	۰/۱۱۳
سهامداران نهادی	INS	۰/۷۴۳	۰/۷۸۰	۰/۹۵۰	۰/۲۳۰	۰/۱۸۶
تمرکز مالکیت	CONOWN	۰/۵۳۸	۰/۵۲۰	۰/۸۸۰	۰/۱۷۰	۰/۱۸۷

* بر اساس جمع کل دارایی‌ها همگن شده است.

** بر اساس قیمت سهام همگن شده است.

پنل ب) متغیرهای گسسته

متغیر	نماد	فراوانی		درصد فراوانی	
		یک	صفر	یک	صفر
خطای نوع دوم حسابرسان	AUDIT FAIL B	۲۵۵	۶۰۹	۲۹/۵۱	۷۰/۴۹
اظهار نظر حسابرسانی	AUDIT OPINION	۴۱۵	۴۴۹	۴۸/۰۳	۵۱/۹۷
حسابرسان طبقه اول	FRA	۵۹۵	۲۶۹	۶۸/۸۷	۳۱/۱۳
زیان	LOSS	۱۰۲	۷۶۲	۱۱/۸۱	۸۸/۱۹
تغییر حسابرسان	AUDITOR CHANGE	۲۰۰	۶۶۴	۲۳/۱۵	۷۶/۸۵
شرکت فرعی	SUBS	۱۹۹	۶۶۵	۲۳/۰۳	۷۶/۹۷
ورشکستگی	DISTRESS	۸۲۲	۴۲	۹۵/۱۴	۴/۸۶
تغییر مدیرعامل	CEO CHANGE	۵۹۱	۲۷۳	۶۸/۴۰	۳۱/۶۰

میانگین، اصلی ترین و مهم ترین شاخص مرکزی به شمار می آید که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است. همان طور که در جدول ۲ مشاهده می شود، مقدار میانگین حق الزحمه حسابرسی که بر اساس لگاریتم حق الزحمه محاسبه شده است، ۶/۹۴۹ می باشد. همچنین میانه این متغیر ۶/۸۷ است و نشان می دهد در نیمی از شرکت ها بیش از این میزان حق الزحمه پرداخت شده است و در نیمی دیگر کمتر از این میزان حق الزحمه پرداخت شده است. حداکثر حق الزحمه پرداخت شده ۸/۷۳ و حداقل آن ۵/۴۴ است. میزان انحراف معیار برای این متغیر ۰/۹۰۸ است، در واقع انحراف معیار میزان پراکندگی نسبت به میانگین را نشان می دهد. عدد ۰/۹۰۸ بدین معنی است که داده ها از پراکندگی نسبتاً متوسطی برخوردار است. در جدول ۲، مدیریت سود واقعی بر اساس مدیریت سود واقعی جریان نقد عملیاتی، بهای تمام شده و هزینه عمومی، توزیع و فروش ارائه گردیده است و با بررسی مدیریت سود واقعی کل که از جمع سه شاخص مورد نظر محاسبه شده است، می توان مشاهده کرد که میانگین و میانه متغیرهای مورد نظر برابر با صفر است. علت آن نیز استخراج متغیرهای مورد نظر از جزء خطای مدل است. به همین ترتیب مدیریت سود تعهدی نیز بر اساس مدل جونز تعدیل شده و کوتاری برآورد گردید که نتایج نشان می دهد میانگین هر دو شاخص برابر با صفر است. با بررسی تعداد بندهای گزارش حسابرس مشاهده می شود که هر شرکت حدوداً یک بند گزارش حسابرسی به طور متوسط دارد. میانه صفر نشان می دهد که حداقل نیمی از شرکت ها هیچ بند گزارش حسابرسی نداشته اند. علاوه بر این، تعداد بندهای گزارش حسابرس قبل از بند اظهار نظر به طور میانگین ۱/۳۹۰ است. در راستای بررسی متغیرهای گسسته در جدول ۲، نتایج نشان می دهد که ۲۹/۵۱ درصد از شرکت ها دارای خطای حسابرسی نوع دوم هستند. در واقع پس از ارائه گزارش حسابرسی مقبول، صورت های مالی تجدید ارائه شده است. نوع اظهار نظر حسابرس نیز بیانگر آن است که در هر سال ۴۸/۰۳ درصد از شرکت ها گزارش غیر مقبول دریافت می کنند. به همین ترتیب ۶۸/۸۷ درصد از شرکت ها توسط مؤسسات حسابرسی طبقه اول حسابرسی شده اند. همچنین در هر سال ۲۳/۱۵ درصد از شرکت ها حسابرس خود را تغییر داده اند.

آزمون فرضیه ها

آزمون فرضیه های اول و دوم

نتایج بررسی فرضیه اول پژوهش در جدول ۳ نشان داده شده است. در مدل های مورد نظر، اثرات مدیریت سود بر خطای نوع دوم حسابرسی بررسی شده است. در مدل های

مدیریت سود اقلام تعهدی، متغیر کنترلی مدیریت سود تعهدی کوتاری نتایج بهتری داشت. از این رو، به عنوان متغیر کنترلی استفاده شد. بر اساس نتایج به دست آمده، مشاهده می شود که مدل در حالت کلی معنادار است. چرا که مقدار احتمال آماره کای دو برابر با صفر بوده و کمتر از سطح خطای ۵ درصد است. همچنین ضریب تعیین پسودو نشان دهنده آن است که متغیرهای پژوهش حدود ۱۸ درصد از تغییرات خطای حسابرسی نوع دوم را توضیح داده اند. لازم به ذکر است که در مدل های لوجیت، ضریب تعیین چندان بالا نیست. با بررسی اثرات مدیریت سود می توان مشاهده کرد که مدیریت سود کل (REM) منجر به افزایش خطای نوع دوم حسابرسی می شود بر این اساس در راستای فرضیه اول می توان این گونه اظهار نظر کرد که مدیریت سود واقعی ارتباط مثبت با خطای نوع دوم حسابرسی دارد؛ لذا فرضیه اول تأیید می شود.

در راستای بررسی فرضیه دوم، نقش مدیریت سود واقعی تهاجمی بر خطای نوع دوم حسابرسی بررسی شده است. نتایج آزمون فرضیه دوم در جدول ۳ نشان می دهد که مدیریت سود واقعی تهاجمی بر خطای نوع دوم حسابرسی تأثیر ندارد؛ لذا فرضیه دوم مبنی بر اینکه مدیریت سود واقعی تهاجمی ارتباط مثبت با خطای نوع دوم حسابرسی دارد، رد می شود.

جدول ۳ نتایج مدل فرضیه اول و دوم (متغیر وابسته: خطای نوع دوم حسابرسی)

فرضیه دوم		فرضیه اول		نماد	متغیر
ضریب	آماره z	ضریب	آماره z		
-	-	۱/۸۰	۱/۹۲۵*	REM	مدیریت سود واقعی
-	-	-۱/۹۳	-۱/۹۹۹*	$REM_{i,t-1}$	وقفه مدیریت سود واقعی
-	-	-۰/۰۸	-۰/۱۰۵	DADAKOTHARI	مدیریت سود تعهدی کوتاری
-	-	۱/۵۷	۲/۰۶۷	$DADAKOTHARI_{i,t-1}$	وقفه مدیریت سود تعهدی کوتاری
۰/۵۶	۰/۱۵۱	-	-	Q4REM	مدیریت سود واقعی تهاجمی
-۰/۴۷	-۰/۱۲۲	-	-	$Q4REM_{i,t-1}$	وقفه مدیریت سود واقعی تهاجمی
۰/۰۵	۰/۱۰۳	-	-	Q4DAADJONES	مدیریت سود تعهدی تهاجمی جونز تعدیل شده
۲/۰۶	۳/۳۸۷**	-	-	$Q4DAADJONES_{i,t-1}$	وقفه مدیریت سود تعهدی تهاجمی جونز تعدیل شده
-۳/۳۵	-۰/۴۸۹**	-۳/۳۸	-۰/۴۸۴**	LNASSET	اندازه شرکت
-۲/۷۸	-۱/۷۵۸**	-۲/۵۸	-۱/۶۶۹**	INVREC	نسبت حساب‌های دریافتی و موجودی کالا به کل دارایی‌ها
۱/۲۰	۰/۸۸۷	۱/۲۹	۰/۹۴۸	LEV	اهرم مالی
۰/۵۰	۰/۶۲۷	۰/۴۳	۰/۵۷۳	EBIT	سود قبل از بهره و مالیات
۱/۰۰	۰/۴۰۴	۱/۰۶	۰/۴۳۴	LOSS	زیان
۰/۹۱	۰/۲۰۸	۰/۸۷	۰/۱۹۹	AUDITOR CHANGE	تغییر حسابرس
-۰/۷۴	-۰/۲۳۷	-۰/۵۰	-۰/۱۵۷	SUBS	شرکت فرعی
۱/۴۰	۰/۳۱۳	۰/۱۲	۰/۲۲۵	FRA	حسابرسان طبقه اول
-۲/۳۶	-۰/۸۷**	-۲/۳۸	-۰/۸۸۷**	LN DELAY	لگاریتم طبیعی تأخیر گزارش حسابرسی
۲/۴۱	۰/۶۱۸**	۲/۳۹	۰/۶۱۶**	LN AGE	لگاریتم طبیعی سن شرکت
۱/۸۵	۱/۱۴۷*	۱/۷۸	۱/۱۴*	DISTRESS	ورشکستگی
۰/۳۷	۰/۰۷۶	۰/۳۸	۰/۰۷۹	CEO CHANGE	تغییر مدیرعامل
۱/۴۰	۲/۶۶۲	۱/۳۷	۲/۵۶۹	DPS	سود تقسیمی
۱/۹۵	۲/۰۴۴*	۲/۳۲	۲/۶۱۲**	FCF	جریان نقد آزاد
۳/۰۳	۲/۲۶۵**	۲/۹۹	۲/۲۴۸**	INS	سهامداران نهادی
۰/۳۲	۰/۲۰۹	۰/۳۰	۰/۱۹۶	CONOWN	تمرکز مالکیت
۱/۱۳	۰/۱۸۹	۱/۰۰	۰/۱۷۰	LN AUDIT FEES	لگاریتم طبیعی حق‌الزحمه حسابرسی
۰/۷۱	۱/۷۶۲	۰/۷۳	۱/۸۰۸	C	ضریب ثابت
کنترل شد		کنترل شد		Year&Ind	سال و صنعت
۱۱۶/۹۷۰		۱۲۰/۹۶۰		آماره کای دو	
۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		احتمال آماره کای دو	
۰/۱۷۸		۰/۱۸۱		ضریب تعیین پسودو	
۷۲۰		۷۲۰		تعداد مشاهدات	

* و ** به ترتیب معناداری در سطح ۹۰ درصد و ۹۵ درصد

آزمون فرضیه‌های سوم و چهارم

نتایج فرضیه سوم پژوهش در جدول ۴ نشان داده شده است. در مدل موردنظر، اثرات مدیریت سود بر تعداد بندهای گزارش حسابرسان بررسی شده است. در مدل‌های مدیریت سود اقلام تعهدی، متغیر کنترلی مدیریت سود تعهدی جونز تعدیل شده نتایج بهتری داشت. از این رو، به عنوان متغیر کنترلی استفاده شد. جدول ۴ نشان می‌دهد که مدل در حالت کلی معنادار است. چراکه مقدار احتمال آماره F برابر با صفر بوده و کمتر از سطح خطای ۵ درصد است. همچنین ضریب تعیین نشان‌دهنده آن است که متغیرهای پژوهش ۴۶ درصد از تغییرات تعداد بندهای گزارش حسابرسان را توضیح داده‌اند. با بررسی اثرات مدیریت سود می‌توان مشاهده کرد که مدیریت سود واقعی منجر به کاهش تعداد بند گزارش حسابرسان می‌شود؛ لذا فرضیه سوم مبنی بر اینکه "مدیریت سود واقعی ارتباط منفی با تعداد بندهای گزارش حسابرسان دارد" تأیید می‌شود.

در راستای بررسی فرضیه چهارم، نقش مدیریت سود واقعی تهاجمی بر تعداد بندهای گزارش حسابرسان بررسی شده است. نتایج موردنظر در جدول ۴ ارائه شده است. در مدل‌های مدیریت سود اقلام تعهدی، متغیر کنترلی مدیریت سود تعهدی جونز تعدیل شده نتایج بهتری داشت. از این رو، به عنوان متغیر کنترلی استفاده شد.

مطابق با آنچه که نتایج نشان می‌دهد، مدیریت سود واقعی تهاجمی بر تعداد بندهای گزارش حسابرسان تأثیر منفی و معنادار در سطح احتمال ۹۵ درصد دارد؛ بنابراین می‌توان گفت که مدیریت سود واقعی تهاجمی منجر به کاهش تعداد بندهای گزارش حسابرسان می‌شود. در نتیجه فرضیه چهارم پژوهش تأیید می‌شود و می‌توان گفت که مدیریت سود واقعی تهاجمی ارتباط منفی با تعداد بندهای گزارش حسابرسان دارد.

جدول ۴: نتایج مدل فرضیه سوم و چهارم (متغیر وابسته: تعداد بندهای گزارش حسابرسان)

فرضیه چهارم		فرضیه سوم		نماد	متغیر
ضریب	آماره z	ضریب	آماره z		
-	-	-۱/۹۸	-۰/۹۸***	REM	مدیریت سود واقعی
-	-	۰/۴۴	۰/۲۱۲	$REM_{i,t-1}$	وقفه مدیریت سود واقعی
-	-	-۱/۹۳	-۱/۴۵۸*	DAADJONES	مدیریت سود تعهدی جونز تعدیل شده
-	-	-۱۳۲	-۰/۸۵۸	$DAADJONES_{i,t-1}$	وقفه مدیریت سود تعهدی جونز تعدیل شده
-۲/۷۴	-۱/۳۹۷**	-	-	Q4REM	مدیریت سود واقعی تهاجمی
-۰/۰۱	-۰/۰۰۲	-	-	$Q4REM_{i,t-1}$	وقفه مدیریت سود واقعی تهاجمی
-۱/۶۸	-۱/۶۲۴*	-	-	Q4DAADJONES	مدیریت سود تعهدی تهاجمی جونز تعدیل شده
-۲/۸۴	-۲/۴۳۴**	-	-	$Q4DAADJONES_{i,t-1}$	وقفه مدیریت سود تعهدی تهاجمی جونز تعدیل شده
۶/۱۲	۰/۴۱۸**	۵/۷۵	۰/۳۹۷**	LNASSET	اندازه شرکت
۳/۱۷	۱/۰۳۹**	۳/۱۳	۱/۰۴۷**	INVREC	نسبت حساب‌های دریافتی و موجودی به کل دارایی‌ها کالا
۰/۵۶	۰/۲۳۵	۰/۵۹	۰/۲۵۴	LEV	اهرم مالی
-۰/۸۱	-۰/۵۹۵	-۰/۷۵	-۰/۵۹۵	EBIT	سود قبل از بهره و مالیات
۲/۴۷	۰/۵۷۶**	۲/۳۳	۰/۵۵**	LOSS	زیان
۰/۹۶	۰/۱۲۵	۱/۱۶	۰/۱۴۹	AUDITOR CHANGE	تغییر حسابرسان
۲/۹۵	۰/۵۰۹**	۲/۸۷	۰/۵۰۱**	SUBS	شرکت فرعی
-۰/۴۰	-۰/۰۴۹	-۰/۳۸	-۰/۰۴۹	FRA	حسابرسان طبقه اول
۷/۸۱	۱/۳۶۴***	۷/۸۳	۱/۳۸۹**	LN DELAY	لگاریتم طبیعی تأخیر گزارش حسابرسان
-۰/۳۷	-۰/۰۴۹	-۰/۴۵	-۰/۰۵۹	LN AGE	لگاریتم طبیعی سن شرکت
-۳/۶۳	-۱/۱۱۱**	-۳/۲۹	-۰/۹۹۷**	DISTRESS	ورشکستگی
-۱/۳۳	-۰/۱۴۲	-۱/۴۰	-۰/۱۵۲	CEO CHANGE	تغییر مدیرعامل
-۲/۴۳	-۲/۳۷۲**	-۲/۵۱	-۲/۴۴۱**	DPS	سود تقسیمی
-۲/۱۳	-۱/۲۵**	-۲/۴۸	-۱/۵۸۴**	FCF	جریان نقد آزاد
-۱/۷۲	-۰/۶۷۸*	-۱/۷۴	-۰/۶۷۸*	INS	سهامداران نهادی
-۰/۷۹	-۰/۲۶۸	-۰/۷۳	-۰/۲۴۲	CONOWN	تمرکز مالکیت
-۵/۲۳	-۰/۴۸۷**	-۵/۱۴	-۰/۴۶۶**	LN AUDIT FEES	لگاریتم طبیعی حق‌الزحمه حسابرسان
-۳/۷۴	-۴/۸۶۵**	-۳/۷۳	-۴/۸۷۸**	C	ضریب ثابت
کنترل شد	کنترل شد	Year&Ind		سال و صنعت	
۲۱/۳۸۰	۲۰/۳۰۰			آماره کای دو	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰			احتمال آماره کای دو	
۰/۴۶۵	۰/۴۶۰			ضریب تعیین پسودو	
۷۲۰	۷۲۰			تعداد مشاهدات	

* و ** به ترتیب معناداری در سطح ۹۰ درصد و ۹۵ درصد

آزمون فرضیه‌های پنجم و ششم

نتایج بررسی فرضیه پنجم پژوهش در جدول ۵ نشان داده شده است. در مدل‌های مدیریت سود اقلام تعهدی، متغیر کنترلی مدیریت سود تعهدی جونز تعدیل شده نتایج بهتری داشت. از این رو، به عنوان متغیر کنترلی استفاده شد.

بر اساس نتایج به دست آمده، مشاهده می‌شود که مدل در حالت کلی معنادار است. چراکه احتمال آماره کای دو برابر با صفر بوده و کمتر از سطح خطای ۵ درصد است. همچنین ضریب تعیین پسودو نشان دهنده آن است که متغیرهای پژوهش حدود ۳۱ درصد از تغییرات اظهار نظر غیر مقبول حسابرسی را توضیح داده‌اند. لازم به ذکر است که در مدل‌های لوجیت، ضریب تعیین چندان بالا نیست. مطابق با نتایج جدول ۵ اثرات مدیریت سود بر اظهار نظر غیر مقبول حسابرسی می‌توان مشاهده کرد که مدیریت سود واقعی منجر به کاهش اظهار نظر غیر مقبول حسابرسی می‌شود؛ لذا فرضیه پنجم مبنی بر اینکه "مدیریت سود واقعی ارتباط منفی با اظهار نظر غیر مقبول حسابرسی دارد"، تأیید می‌شود.

در راستای بررسی فرضیه ششم، نقش مدیریت سود واقعی تهاجمی بر اظهار نظر غیر مقبول حسابرسی بررسی شده است. نتایج مورد نظر در جدول ۵ ارائه گردیده است. در مدل‌های مدیریت سود اقلام تعهدی، متغیر کنترلی مدیریت سود تعهدی جونز تعدیل شده نتایج بهتری داشت. از این رو، به عنوان متغیر کنترلی استفاده شد.

همان‌طور که نتایج به دست آمده نشان می‌دهد، مدیریت سود واقعی تهاجمی با اظهار نظر غیر مقبول حسابرسی رابطه منفی و معنادار در سطح احتمال ۹۵ درصد دارد. در واقع با افزایش مدیریت سود واقعی تهاجمی، اظهار نظر غیر مقبول حسابرسی کاهش پیدا می‌کند، لذا فرضیه ششم تأیید می‌شود.

جدول ۵: نتایج مدل فرضیه پنجم و ششم (متغیر وابسته: اظهار نظر حسابرسی)

فرضیه ششم		فرضیه پنجم		نماد	متغیر
آماره z	ضریب	آماره z	ضریب		
-	-	-۱/۷۴	-۱/۵۲۵*	REM	مدیریت سود واقعی
-	-	۰/۳۶	۰/۳۱۵	$REM_{i,t-1}$	وقفه مدیریت سود واقعی
-	-	-۲/۲۸	-۳/۳۹۶**	DAADJONES	مدیریت سود تعهدی جونز تعدیل شده
-	-	-۰/۵۶	-۰/۷۷۷	$DAADJONES_{i,t-1}$	وقفه مدیریت سود تعهدی جونز تعدیل شده
-۲/۱۲	-۰/۵۹۵**	-	-	Q4REM	مدیریت سود واقعی تهاجمی
-۰/۳۶	-۰/۰۹۶	-	-	$Q4REM_{i,t-1}$	وقفه مدیریت سود واقعی تهاجمی
-۲/۷۵	-۵/۸۸۷**	-	-	Q4DAADJONES	مدیریت سود تعهدی تهاجمی جونز تعدیل شده
-۱/۶۹	-۳/۱۰۹*	-	-	$Q4DAADJONES_{i,t-1}$	وقفه مدیریت سود تعهدی تهاجمی جونز تعدیل شده
۴/۵۷	۰/۶۱۲**	۴/۳۹	۰/۵۶۴**	LNASSET	اندازه شرکت
۱/۶۸	۱/۰۷۶*	۱/۵۷	۱/۰۰۱	INVRECV	نسبت حساب‌های دریافتی و موجودی به کل دارایی‌ها کالا
-۰/۸۹	-۰/۶۷۴	-۰/۸۰	-۰/۶۰۴	LEV	اهرم مالی
-۲/۴۸	-۳/۰۴۳**	-۲/۳۵	-۲/۹۸۶**	EBIT	سود قبل از بهره و مالیات
-۱/۲۹	-۰/۴۶۱	-۱/۲۹	-۰/۴۶۶	LOSS	زیان
۱/۲۴	۰/۲۹۹	۱/۲۴	۰/۲۹۵	AUDITOR CHANGE	تغییر حسابرس
۰/۷۰	۰/۲۳۳	۰/۶۲	۰/۲۰۷	SUBS	شرکت فرعی
-۱/۳۳	-۰/۳۰۹	-۱/۳۴	-۰/۳۰۹	FRA	حسابرسان طبقه اول
۴/۹۹	۱/۶۷۴**	۵/۰۹	۱/۷۱۷**	LN DELAY	لگاریتم طبیعی تأخیر گزارش حسابرسی
-۰/۸۴	-۰/۲۱۶	-۰/۹۴	-۰/۲۴۵	LN AGE	لگاریتم طبیعی سن شرکت
-۲/۴۹	-۱/۵۸۸**	-۲/۱۸	-۱/۳۷۱**	DISTRESS	ورشکستگی
-۱/۲۴	-۰/۲۵۴	-۱/۳۲	-۰/۲۷۲	CEO CHANGE	تغییر مدیرعامل
-۲/۵۳	-۵/۱۷۳**	-۲/۶۳	-۵/۳۷۵**	DPS	سود تقسیمی
-۰/۶۵	-۰/۶۹۵	-۱/۰۶	-۱/۲۹۷	FCF	جریان نقد آزاد
-۳/۱۹	-۲/۴۸۶**	-۳/۱۳	-۲/۴۰۴**	INS	سهامداران نهادی
-۰/۹۱	-۰/۶۰۲	-۰/۸۶	-۰/۵۶۴	CONOWN	تمرکز مالکیت
-۲/۸۹	-۰/۵۰۵**	-۲/۸۴	-۰/۴۹۱**	LN AUDIT FEES	لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی
-۱/۹۴	-۵/۰۷۹*	-۱/۹۰	-۴/۹۵۵*	C	ضریب ثابت
کنترل شد		کنترل شد		Year&Ind	سال و صنعت
۲۰۵/۶۲۰		۲۰۳/۳۹۰			آماره کای دو
۰/۰۰۰		۰/۰۰۰			احتمال آماره کای دو
۰/۳۱۳		۰/۳۰۷			ضریب تعیین پسودو
۷۲۰		۷۲۰			تعداد مشاهدات

* و ** به ترتیب معناداری در سطح ۹۰ درصد و ۹۵ درصد

بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه میان مدیریت سود واقعی، مدیریت سود واقعی تهاجمی و کیفیت حسابرسی است. حسابرسی، ابزاری است که انگیزه‌های مدیریت سود را محدود می‌کند؛ بنابراین، در هنگام اعمال مدیریت سود توسط مدیران، کیفیت بالای حسابرسی از حساب‌رسان انتظار می‌رود. حساب‌رسان با بالا بردن کیفیت حسابرسی، تحریف‌های بااهمیت را کشف کرده و مدیران را در به کارگیری مدیریت سود در محدودیت قرار می‌دهند؛ اما موضوعی که مطرح می‌شود این است که چرا هنگام اعمال مدیریت سود واقعی توسط مدیران، کیفیت بالای حسابرسی از حساب‌رسان مشاهده نمی‌شود؟ چه عاملی باعث کاهش کیفیت حسابرسی می‌شود؟ حساب‌رسان چگونه خود را در برابر ریسک عدم کشف مدیریت سود واقعی پوشش می‌دهند؟ نتایج تحقیق نشان داد که مدیریت سود واقعی رابطه مثبت و معنی‌داری با خطای نوع دوم حسابرسی دارد. این موضوع با مبانی نظری سازگار است؛ زیرا کشف مدیریت سود واقعی برای حساب‌رسان دشوار است و حساب‌رسان در صورت ارزیابی موقعیت‌های مشکوک به مدیریت سود واقعی، نیازمند رسیدگی‌های بیشتر است. از آنجایی که رسیدگی بیشتر بر حق‌الزحمه حسابرسی تأثیرگذار است، لذا اولاً پس از اینکه قرارداد حسابرسی امضا شود، احتمال اینکه صاحب کاران با افزایش حق‌الزحمه در دوره جاری مقاومت کنند، زیاد است؛ بنابراین، حساب‌رسان برای رسیدگی‌های اضافی و دریافت حق‌الزحمه بیشتر پس از اینکه مدیریت سود واقعی را کشف کنند، محدود است. دوماً، مدیریت سود واقعی در تناقض با اصول پذیرفته‌شده حسابداری نمی‌باشد؛ بنابراین، مدیریت سود واقعی منجر به افزایش خطای نوع دوم حسابرسی و کاهش کیفیت حسابرسی می‌شود. این موضوع با مطالعات لطیفی و جهان‌شاد (۱۳۹۸)، سازگار است. آن‌ها نشان دادند که در صورت افزایش مدیریت سود تعهدی و واقعی، احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی نیز افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر با افزایش مدیریت سود واقعی، کیفیت حسابرسی کاهش می‌یابد. در بررسی مدیریت سود واقعی تهاجمی با خطای نوع دوم حسابرسی رابطه معناداری مشاهده نگردید. اگرچه مطابق مبانی نظری انتظار می‌رفت که مدیریت سود واقعی تهاجمی با خطای نوع دوم حسابرسی رابطه مثبت داشته باشد؛ ولی این موضوع این‌گونه قابل توضیح است که زمانی که مدیریت سود واقعی، به صورت تهاجمی باشد، حساب‌رسان نسبت به آن حساسیت بالاتری نشان داده

که منجر به رسیدگی بیشتر و احتمال کشف مدیریت سود واقعی توسط حسابرسان گردد؛ لذا به دلیل کشف چنین مدیریت سود واقعی تهاجمی، خطای نوع دوم حسابرسی بیشتر نخواهد شد و ممکن است که بر خطای نوع دوم حسابرسی تأثیر گذار نباشد. نتایج تحقیق نشان داد که مدیریت سود واقعی و مدیریت سود واقعی تهاجمی با تعداد بندهای گزارش حسابرس و نوع اظهارنظر غیر مقبول حسابرسی رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. این موضوعات با مبانی نظری سازگار است. مدیران شرکت‌های صاحب کار در فضای ایران به دلایل مختلف مانند حفظ موقعیت خود و پاسخگویی مناسب در مجمع عمومی سهامداران، به شدت به دنبال کاهش تعداد بندهای شرط و دریافت گزارش مقبول حسابرسی هستند؛ لذا روش‌هایی را بکار می‌برند که کشف آن‌ها برای حسابرسان دشوار باشد؛ بنابراین، مدیریت سود واقعی را جایگزینی برای مدیریت سود اقلام تعهدی می‌دانند. این موضوع با مطالعات چی و همکاران (۲۰۱۱)، هم‌راستا است. مطالعات آن‌ها نشان داد که حسابرسان با کیفیت بالاتر، مدیریت سود تعهدی را محدود می‌کند، یعنی شرکت‌ها به مدیریت سود واقعی حتی پرهزینه‌تر متوسل می‌شوند. همچنین با مطالعات حسن و همکاران (۲۰۲۳)، سازگار است. آن‌ها نشان دادند که شرکت‌ها از مدیریت سود تعهدی به مدیریت سود واقعی در اقتصادهای توسعه یافته که با سازوکارهای حاکمیت قوی مشخص می‌شوند، روی می‌آورند. از سوی دیگر، کشف مدیریت سود واقعی برای حسابرس دشوار است و اصول پذیرفته شده حسابداری را نقض نمی‌نماید؛ بنابراین، مدیریت سود واقعی منجر به کاهش تعداد بندهای گزارش حسابرسی و کاهش اظهارنظر غیر مقبول حسابرسی می‌شود. این موضوع با تحقیقات ساکی و طاهری نیا (۱۳۹۵)، سازگار است. آن‌ها نشان دادند که مدیریت سود از طریق اقلام واقعی (جریان نقد عملیاتی) و اظهارنظر حسابرس رابطه‌ای معنادار در جهت معکوس دارند. چارچوب مطالعات کریشنان و همکاران (۲۰۱۳)، نشان می‌دهد که حسابرسان در یک سطح قابل قبول از ریسک، به منظور کاهش ریسک خود، با افزایش رسیدگی‌ها آن را پاسخ می‌دهند و ریسک‌هایی را که نتوانند با رسیدگی‌های اضافی کاهش دهند، صرف ریسک بیشتری را تقاضا می‌کنند. در همین راستا، مدیریت سود واقعی تهاجمی باعث تشدید ریسک حسابرسی می‌شود و به دلیل دشواری در کشف مدیریت سود واقعی تهاجمی، حسابرسان به منظور پوشش ریسک حسابرسی، حقالزحمه بیشتری را تقاضا می‌کنند. یافته‌های تحقیق از مطالعات کریشنان و همکاران (۲۰۱۳)،

حمایت می‌کند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که متغیر حق الزحمه حسابرسی با تعداد بندهای گزارش حسابرِس و اظهارنظر غیر مقبول حسابرسی رابطه منفی و معنی‌داری دارد؛ یعنی هرچه تعداد بندهای گزارش حسابرِس و اظهارنظر غیر مقبول حسابرسی کاهش یابد، حق الزحمه حسابرسی افزایش می‌یابد. همچنین نتایج تحقیق با مطالعات گرینر و همکاران (۲۰۱۷)، هم‌راستا است. آن‌ها نشان دادند که مدیریت سود تهاجمی به‌استثنای مدیریت سود تهاجمی از طریق هزینه‌های عمومی، اداری و فروش، رابطه مثبتی با حق الزحمه حسابرسی جاری و آتی دارد. این موضوع این‌گونه قابل توضیح است که شرکت‌هایی که درگیر مدیریت سود واقعی تهاجمی هستند، به دلیل دشواری در کشف مدیریت سود واقعی تهاجمی، حق الزحمه حسابرسی بالاتری تقاضا می‌کنند. با توجه به نتایج پژوهش به سازمان حسابرسی و جامعه حسابداران رسمی پیشنهاد می‌شود که برای ارتقای کیفیت حسابرسی موضوع مدیریت سود واقعی را در دستورالعمل‌های حسابرسی خود مدنظر قرار دهند. همچنین به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود که به‌منظور کاهش دعوی حقوقی علیه حسابرسان و کاهش نگرانی‌های سهامداران، موضوع کیفیت حسابرسی را در رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی ملحوظ نظر قرار دهد. بر اساس نتایج به‌دست آمده می‌توان نتیجه‌گیری نمود که مدیریت سود واقعی و مدیریت سود واقعی تهاجمی بر کیفیت حسابرسی تأثیرگذار است و منجر به کاهش کیفیت حسابرسی می‌شود و مدیران به‌منظور نیل به اهداف خود، روش‌هایی را بکار می‌برند که کشف آن برای حسابرسان دشوار باشد و حسابرسان ریسک‌هایی که نتوانند با افزایش رسیدگی‌ها به آن پاسخ دهند، با افزایش حق الزحمه حسابرسی، ریسک خود را پوشش می‌دهند. پژوهش حاضر، همانند سایر تحقیقات دارای محدودیت‌هایی است و از این امر مستثنا نمی‌باشد. از جمله محدودیت‌های تحقیق حاضر این است که نخست در این پژوهش از روش غربالگری استفاده شده است و با اعمال برخی از محدودیت‌ها، منجر به حذف برخی صنایع و شرکت‌ها شده است، لذا در تعمیم نتایج به کل صنایع و شرکت‌ها باید احتیاط لازم به عمل آید. نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد آن است که برخی از شرکت‌ها حق الزحمه حسابرسی را افشا نمی‌کنند که این موضوع منجر به کاهش حجم مشاهدات شده است. دوم، این مطالعه صرفاً بر اساس اطلاعات شرکت‌های بورسی بررسی شده است و برای شرکت‌های غیر بورسی و یا برای یک مجموعه داده بزرگ‌تر، چنین مسئله‌ای بررسی نشده است.

- به‌منظور انجام پژوهش‌های آتی در ارتباط با این پژوهش، موضوعات زیر پیشنهاد می‌شود:
- ارائه مدل کیفیت حسابرسی در ارتباط با مدیریت سود واقعی تهاجمی بر اساس رویکرد تحلیل مؤلفه اساسی و معادلات ساختاری.
 - بررسی نقش مدیریت سود تهاجمی بر کیفیت حسابرسی، در چرخه‌های مختلف عمر.
 - مقایسه مدل‌های کیفیت حسابرسی در ارتباط با مدیریت سود واقعی تهاجمی در شرکت‌های بورس و فرابورس.
 - ارائه مدل کیفیت حسابرسی در ارتباط با مدیریت سود واقعی تهاجمی در شرکت‌های دولتی و خصوصی.
 - بررسی رابطه غیرخطی میان مدیریت سود واقعی و کیفیت حسابرسی

یادداشت‌ها

- | | |
|---------------------------------------|-------------------------------|
| 1.Zengin&Ozkan | 2.Schipper |
| 3.Aggressive real earnings management | 4. Ronen&Yaari |
| 5.Roychowdhury | 6. Xu et al. |
| 7. Ge&Kim | 8.Wallace |
| 9. DeAngelo | 10. Nichols&Smith |
| 11. Jensen&Meckling | 12. Chi et al. |
| 13. Houqe et al. | 14. Choi et al. |
| 15. Chen et al. | 16. DeFond& Zhang |
| 17. Barnes& Renart | 18. Cameran et al. |
| 19. Graham et al. | 20. Becker et al. |
| 21. Johnson et al. | 22. Krishnan |
| 23. Balsam et al. | 24. Myers et al. |
| 25. Simunic | 26. Tsipouridou et al. |
| 27. Jiang et al. | 28. Shawn et al. |
| 29. Greiner et al. | 30. Anissa et al. |
| 31. Sitanggang et al. | 32. Pacheco-Paredes& Wheatley |
| 33. Gandía&Huguet | 34. Selasi Awuye |
| 35.Zgarni&Chikhaoui | 36. Egbunike |
| 37. Hassan et al. | 38. Cohen&Zarowin |
| 39. Zang | 40. Zmijewski |

منابع

- ابراهیمی کردلر، علی؛ سیدی، سید عزیز. (۱۳۸۷). نقش حسابرسان مستقل در کاهش اقلام تعهدی اختیاری. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۵(۵۴): ۳-۱۶.
- بادآور نهندی، یونس؛ تقی زاده خانقاه، وحید. (۱۳۹۲). ارتباط بین کیفیت حسابرسی و مدیریت مصنوعی و واقعی سود. *پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی*، ۲(۳): ۴۷-۷۹.
- بنی مهد، بهمن؛ حساس یگانه، یحیی؛ یزدانیان، نرگس. (۱۳۹۳). مدیریت سود و اظهارنظر حسابرس: شواهدی از بخش خصوصی حسابرسی. *فصلنامه علمی و پژوهشی حسابداری مدیریت*، ۷(۲۱): ۱۷-۳۲.
- بنی مهد، بهمن؛ رویایی، رمضانعلی؛ مشتاق کهنموئی، مسعود. (۱۴۰۱). عدم قطعیت اقتصادی و مدیریت سود: شواهدی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۱۴(۵۴): ۵-۲۰.
- بنی مهد، بهمن؛ عربی، مهدی؛ حسن پور، شیوا. (۱۳۹۵). پژوهش‌های تجربی و روش‌شناسی در حسابداری. تهران، انتشارات ترمه.
- حاجیها، زهره؛ چناری بوکت، حسن. (۱۳۹۶). رابطه مدیریت سود و خطای پیش‌بینی سود (با تأکید بر صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای و پایان دوره‌ای). *فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت دارایی و تأمین مالی*، ۴(۲): ۲۹-۴۸.
- حساس یگانه، یحیی؛ آذین فر، کاوه. (۱۳۸۹). رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه مؤسسه حسابرسی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۷(۳): ۸۵-۹۸.
- حمیدیان، نرگس؛ عرب صالحی، مهدی؛ تقیان، مجید. (۱۴۰۱). تأثیر مدیریت سود واقعی بر اظهارنظر حسابرسی درباره تداوم فعالیت در شرکت‌های در مانده مالی. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۴(۱): ۳۷-۶۰.
- ساکي، مصطفی؛ طاهری نیا، مسعود. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر مدیریت سود بر اظهارنظر حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد، حسابداری، استانبول - ترکیه*، ۱-۲۱.
- لطیفی، علی؛ جهانشاد، آریتا. (۱۳۹۸). تأثیر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود تعهدی و واقعی بر تجدید ارائه صورت‌های مالی. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*،

۹۰-۶۳:(۴۴)۱۱

محمدرضایی، فخرالدین؛ فرجی، امید. (۱۳۹۸). معمای سنجش کیفیت حسابرسی در پژوهش‌های آرشیوی: نقد و ارائه پیشنهادهایی برای محیط پژوهشی ایران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۶(۱):۸۷-۱۲۲.

محمدرضایی، فخرالدین؛ گل‌چهره. (۱۳۹۶). خطای حسابرسی، نوع گزارش و تعداد بندهای شرط حسابرسی: نقش مشغله کاری شرکای مؤسسات حسابرسی. *فصلنامه حسابداری مالی*، ۹(۳۶):۱-۳۱.

مرادی، محمد؛ اصولیان، محمد؛ نوروزی، محمد. (۱۳۹۳). اظهارنظر حسابرس و مدیریت سود با تأکید بر ابهام در تداوم فعالیت. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۱(۳):۳۲۸-۳۰۳.

Anissa, N, Mukhlisin, M. Petronila, T.A. (2019). Audit quality and real earnings management: An analysis based on the auditor industry specialization and client importance. *International Journal of Management, Accounting, and Economics*, 6(6):436-453.

Badavar Nahandi, Y., Taghizadeh Khanghah, V. (2014). The relationship between audit quality and artificial and real earnings management. *Journal of Applied Research in Financial Reporting*, 2(3):47-79. [in Persian].

Balsam, S., J. Krishnan, and J. Young. (2003). Auditor industry specialization and earnings quality. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 22 (2):71-97.

BaniMahd, B., Arabi, M., Hasanpour, Sh. (2016). *Empirical research methodology in accounting*, Tehran, Terme publications. [in Persian]

BaniMahd, B., Hassasyeganeh, Y., Yazdaniyan, N. (2015). Earnings management and auditor's opinion: evidence from the private sector of auditing. *Management Accounting Scientific Research Quarterly*, 7(21):17-32. [in Persian].

BaniMahd, B., Royaeae, R., Moshtagh Kahnamous, M. (2022). Economic uncertainty and earnings management: evidence from listed Companies at Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Auditing Research*, 14(54):5-20. [in Persian].

Barnes, P., Renart, M.A. (2013). Auditor independence and auditor bargaining power: some Spanish evidence concerning audit error in the going concern decision. *International Journal of Auditing*,

- 17(3): 265–287.
- Becker, C., M. DeFond, J. Jiambalvo, and K. R. Subramanyam. (1998). The effect of audit quality on earnings management. *Contemporary Accounting Research*, 15 (1):1–24.
- Cameran, M., Merlotti, E. and Di Vincenzo, D. (2005). The audit firm rotation rule: A review of the literature. Online, <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.825404>, (September 1, 2005).
- Chen, C.J.P., Chen, S., and Su, X. (2001). Profitability regulation, earnings management, and modified audit opinions: evidence from China. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 20(2):9-30.
- Chen, Y.M., Moroney, R. and Houghton, K. (2005). Audit committee composition and the use of an industry specialist audit firm. *Accounting & Finance*, 45(2):217-239.
- Chi, W., Lisic, L.L. and Pevzner, M. (2011). Is enhanced audit quality associated with greater real earnings management? *Accounting Horizons*, 25(2):315-335.
- Cohen, D., and P. Zarowin. (2010). Accrual-based and real earnings management activities around seasoned equity offerings. *Journal of Accounting and Economics*, 50(1):2–19.
- Choi, J.H., Kim, J.B. and Zang, Y. (2010). Do abnormally high audit fees impair audit quality? *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 29(2):115-140.
- Commerford, B., Hermanson, D., Houston, R. and Peters, M. (2016). Real earnings management: a threat to auditor comfort? *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 35(4): 39-56.
- DeAngelo, L. E. (1981). Auditor size and audit quality. *Journal of Accounting and Economics*, 3(3):183–199.
- DeFond, M., Zhang, J. (2014). A review of archival auditing research. *Journal of Accounting and Economics*, 58 (2–3):275–326.
- Ebrahimi kordlar, A.& Seyedi, S. (2009). The role of independent auditors in reducing discretionary accruals. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 15(54):3-16. [in Persian].
- Egbunike, Ch. F., Igbinovia, I.M., Okafor, K.J., Mmadubuobi, L.C. (2023). Residual audit fee and real income smoothing: evidence from quoted non-financial firms in Nigeria. *Asian Journal of Accounting Research*, 1(8) - 66-79.
- Francis, J., and J. Krishnan. (1999). Accounting accruals and auditor reporting conservatism. *Contemporary Accounting Research*,

- 16(1):135–165.
- Francis, J.R., Maydew, E.L. and Sparks, H.C. (1999). The role of Big 6 auditors in the credible reporting of accruals. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 18(2):17-34.
- Francis, J.R., & Wilson, E. (1988). Auditor changes a joint test of theories relating to agency costs and auditor differentiation. *The Accounting Review*, 63(4):663-682.
- Gandía, Juan L. F& Huguet, David (2021). Audit fees and earnings management: differences based on the type of audit. *Economic Research-Ekonomska Istraživanja*, 34(1):2628-2650.
- Ge, W., and Kim, J. (2010). Real earnings management and cost of debt. *CAAA Annual Conference*.
- Graham, John R.; Harvey, Campbell R., and Shiva Rajgopal. (2005). The economic implications of corporate financial reporting. *Journal of Accounting and Economics*, 40(1-3):3–73.
- Greiner, Adam, Kohlbeck, Mark J. & Smith, Thomas J. (2017). The relationship between aggressive real earnings management and current and future audit fees. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 1(36), 85-107.
- Hajiha, Z., Chenari bookt, H. (2016). Relationship between earnings management & earnings forecast error: an emphasis on the end & interim financial statements. *Journal of Asset Management and Financing*, 4(2), 29-48. [in Persian].
- Hamidian, N., Arabsalehi, M., Taghian, M. (2022). The effect of real earning management on going-the concern audit opinions in financially distressed firms. *Financial Accounting Research*, 14(1):37-60. [in Persian].
- Hassas Yeganeh, Y., Azinfar, K. (2010). Relationship between audit quality and auditor size. *Accounting and Auditing Review*, 17(3):85-98. [in Persian].
- Hassan.sh., Aksar, M., Khan, S., Ahmed, T., Zahoor, M. (2023). Impact of audit quality on real earnings management: moderating role of corporate governance. *Reviews of Management Sciences*, 5(1):1-12.
- Houqe, M.N., Ahmed, K. and Zijl, T. (2017). Audit quality, earnings management, and cost of equity: evidence from India. *International Journal of Auditing*, 21(2):177-189.
- Jensen, M.C. and Meckling, W.H. (1976). Theory of the firm:

- managerial behavior, agency costs, and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4):305-360.
- Jiang, H., Habib, A. & D. Zhou. (2015). Accounting restatement and audit quality in China. *Advances in Accounting*, 31(1):125-135.
- Jones, J.J. (1991). Earnings management during import relief investigations. *Journal of Accounting Research*, 29(2):193-228
- Johnson, V., A. Khurana, and K. Reynolds. (2002). Audit-firm tenure and the quality of financial reports. *Contemporary Accounting research* 19(4):637-660.
- Kothari, S. P., Leone, A. J., & Wasley, C. E. (2005). Performance matched discretionary accrual measures. *Journal of Accounting and Economics*, 39(1):163-197.
- Krishnan, G. (2003). Does Big 6 auditor industry expertise constrain earnings management? *Accounting Horizon*, 17(Supplement): 1-16.
- Krishnan, G., L. Sun, Q. Wang, and R. Yang. (2013). Client risk management: A pecking order analysis of auditor response to upward earnings management risk. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 32(2):147-169.
- Latifi, A., Jahanshd, A. (2020). The effect of audit quality, real and accrual earnings management on financial statement restatements. *Journal of Accounting and Auditing Research*, 11(44):63-90. [in Persian].
- Mohammad Rezaei, F., Mohd-Saleh, N., Ahmed, K. (2018). Audit firm ranking, audit quality, and audit fees: examining conflicting price discrimination views. *International Journal of Accounting*, 53(4):295-313.
- Mohammadrezaei, F., Faraji, O. (2019). The dilemma of audit quality measuring in archival studies: Critiques and suggestions for Iran's research setting. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 26(1):87-122. [in Persian].
- Mohammadrezaei, F., Golchehreh, M. (2018). Audit failure, audit opinion, and auditor's remarks: The role of audit partner busyness. *Quarterly Financial Accounting*, 9(36):1-31. [in Persian].
- Moradi, M., Osoolian, M., Norouzi, M. (2014). Audit opinion and earnings management: uncertainty in going-concern. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 21(3):303-328. [in Persian].
- Myers J.N., Myers L.A. and Omer C.T. (2003). Exploring the term of the auditor-client relationship and the quality of earnings: A case for mandatory auditor rotation? *The Accounting Review*, 78(3): 779-799.

- Nichols, D. and Smith, D. (1983). Auditor credibility and auditor changes. *Journal of Accounting Research*, 72(2):385-406.
- Pacheco-Paredes, A. & Wheatley, Clark M. (2021). Do auditors react to real earnings management? *Advances in Accounting*, 55(1):100565
- Ronen, J. and Yaari, V. (2008). *Earnings management: emerging insights in theory, practice, and research*. New York: Springer.
- Roychowdhury, Sugata. (2006). Earnings management through real activities manipulation, *Journal of Accounting and Economics*, 42(3):335-370.
- Saki, M., Taheriniya, M. (2015). Investigating the impact of earnings management on the auditor's opinion in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *The third international conference on new researches in management, economics, and accounting*, Istanbul-Turkiye, 1-21. [in Persian].
- Selasi Awuye, Isaac (2022). The impact of audit quality on earnings management: evidence from France. *Journal of Accounting and Taxation*, 14(1):52 - 63.
- Schipper, K. (1989). Commentary on earnings management. *Accounting Horizon*, 3(4):91-102.
- Shawn, H., Lee, H., Jung, J., Moon, S. (2016). Relation between real earnings management and audit quality. *The Journal of Applied Business Research*, 32(3):967-980.
- Simunic, D., (1984). Auditing, consulting, and auditor independence. *Journal of Accounting Research*, 22(2):679-702.
- Sitanggang, R.P., Karbhari, Y., Matemilola, B.T., Ariff, M. (2019). Audit quality and real earnings management: evidence from the UK manufacturing sector. *International Journal of Managerial Finance*, 16(2):166-181.
- Tsipouridou, M. and Spathis, Ch. (2014). Audit opinion and earnings management: evidence from Greece. *Accounting Forum*, 38 (1):38- 54.
- Wallace, W. (1980). *The economic role of the audit in free and regulated markets*. The Touche Ross and Co. Aid to education program. Reprinted in auditing monographs (New York: Macmillan Publishing Co., 1985).
- Xu, R.Z., Taylor, G.K. and Dugan, M.T. (2007). Review of real earnings management literature. *Journal of Accounting Literature*, 26(1):195-228.

-
- Zang, A.Y. (2012). Evidence on the trade-off between real activities manipulation and accrual-based earnings management. *The Accounting Review*, 87(2):675-703.
- Zgarni, A., Chikhaoui, M. (2022). Audit quality and real earnings management: evidence from Tunisian banks. *Indian Journal of Finance and Banking*, 9(1):71-82.
- Zmijewski, M, E. (1984). Methodological issues related to the estimation of financial distress prediction models. *Journal of Accounting Research*, 24(3):59-82.